

مناظره‌ای قوی بین اهل سنت و شیعه

موضوع: (عائشه رضی الله عنها)

طرف سنی: **خاقانی شروانی** (نماینده صدای اهل سنت ایران)
طرف رافضی: **مختار ۲۱۳** (نماینده انصار العقیده فی الأهواز)

Almokhtar ۲۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم و الصلاة والسلام على محمد و آله الطيبين الطاهرين و العنة الدائمة على اعدائهم اجمعين. آمين رب العالمين

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (١٤) التَّغَابِنِ
ای کسانی که ایمان آورده اید بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و صرفنظر نمائید و ببخشید (خدا شما را می بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

موضوع مناظره امشب مربوط به ایمان عائشه بنت ابی بکر است ! ایا ایشان صفت ایمان داشته اند ؟ یا به ظاهر مسلمان بوده اند ؟ !

ما شیعیان می گوئیم ایشان هرگز مومن نبوده اند و صرفا از جهت ظاهری مسلمان بوده است. اما جماعت مخالفین می گویند که عایشه علاوه بر آنکه از صحابه است و همه صحابه عادل هستند، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بوده است بنابراین ایمان او امری قطعی و یقینی است. .

اما منطق قرآن کریم این نیست بلکه در کلام خداوند متعال، ملاک پرتری افراد بر سایرین، ایمان آنان است نه حسب و نسب آنان چنانکه خداوند فرموده است (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) بر طبق این آیه مبارکه که شعار ما مسلمانان گشته است معیار ارزیابی شخصیت انسانها و قربشان در درگاه خدا تقوا میباشد. یعنی فردی مورد اکرام واقع قرار میگیرد که تقوا داشته باشد.

وایضا رسول الله (ص) فرموده اند : وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ
صحیح مسلم ، ج ۴ ، ص ۲۰۷۴.

ترجمه : رسول الله (ص) میفرمایند: کسی که عمل خیرش نتواند به او کمک کند نسب او هیچ فایده‌ای برای او ندارد.

درباره ازواج رسول الله (ص) بایستی به منطق قرآن کریم نگاه کرد خداوند عزوجل میفرماید :
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتَنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (الاحزاب-۳۳)

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ يك از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید.

در این آیه مبارکه، شرط برتری زنان پیامبر نیز مانند سایر مسلمین، ملازمت تقوا با عمل و اقوال آنان است..

●ابوبکر الجزائری در تفسیرش میگوید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ: أي لستن في الفضل كجماعات النساء. إن اتقيتن: بل أنتن أشرف وأفضل بشرط تقواكن لله.

أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير ، جلد ۴ ، ص ۲۶۵

ترجمه : ای همسران پیامبر (ص) شما همانند دیگر زنان نیستید : یعنی در فضل همانند دیگر زنان نیستید مگر اینکه تقوا داشته باشید : بلکه شماها افضل هستید بشرطی که تقوا پیشه کنید.

ایضا طنطاوی مفسر اهل سنت در این زمینه میگوید :
ثم وجه- سبحانه- إلهن نداء ثانيا فقال: يا نساء النبي لستنَّ كأحدٍ من النساءِ إن اتقيتنَّ. أي: يا نساء النبي، لقد أعطاك الله- تعالى- من الفضل ومن سمو المنزلة ما لم يعط غيركن، فأتين في مكان القدوة لسائر النساء، وهذا الفضل كائن لكن إن اتقيتن الله- تعالى- وصنتن أنفسكن عن كل ما نهاكن- سبحانه- عنه.

التفسير الوسيط ، جلد ۱۱ ، ص ۲۰۴

ترجمه : ای زنان پیامبر(ص) خداوند به شما فضلی را داده است که به دیگر نساء داده نشده است و این فضل برای شما میباشد که (إن اتقيتن الله- تعالى- وصنتن أنفسكن عن كل ما نهاكن- سبحانه- عنه) تقوای خداوند را داشته باشید واز آنچه که نهی کرده است

✓ پس شرط ومنطق خداوند عزوجل درباره نساء همان چیزی می باشد که در آغاز کلاممان بیان کردیم وآن، شرط تقوا است و خداوند عزوجل هرگز نفرموده اند که چون زن پیامبر (ص) است پس قطعا خوب و بهشتی است. بلکه آنان نیز ملزم به رعایت تقوا در اقوال و اعمالشان هستند. پس شرط تقوا عمل به اوامر و نواهی الله عزوجل است

به همین علت خداوند پاداش عظیم و عاقبت نیک را، اختصاص به "محسنات - نیکوکاران" از زنان پیامبر داده است:

وَأَنْ كُنْتُمْ تَرْضَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَرْضَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (الأحزاب-۲۹)
اگر شما خدا و پیامبرش را و سرای آخرت را طالب هستید خداوند برای {{{{نیکوکاران}}}} از شما پاداش عظیم آماده ساخته است

دقت کنید که خداوند گفته فقط از نیکوکاران نه همه انها که مفسرین اهل سنت هم همین امر را گفتند و این شرط را گذاشتند که منظور شرط طاعت از الله عزوجل و پیامبرش هست.
{فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا} أي: للعاملات منكن بأمر الله ورسوله أجراً عظيماً.
یعنی به اونایی که به امر الله عزوجل و پیامبرش عمل کنند اجر عظیم است.
الهداية إلى بلوغ النهاية ، أبو محمد مكي بن أبي طالب القرطبي المالكي ، ج ۹ ، ص ۵۸۲۱
خب خداوند برای زنانی که {{{{للمحسِنَاتِ مِنْكُنَّ}}}} اجر عظیم قرار داده است ولی برا اون دسته که جزو محسنات نباشند عذابی سنگین قرار داده است که نص صریح قران بر این امر است که خداوند

میفرماید
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ يَفَاحِشَةٌ مُبِينَةٌ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (الأحزاب-۳۰)

ای همسران پیامبر هرکس از شما کار زشت و و گناهی اشکار مرتکب شود عذابش دو چندان خواهد بود و این واضح است که قران کریم احتمال داده است که همسران رسول الله همانند دیگر انبیا همانند حضرت لوط و حضرت نوح زناشان مرتکب گناهان شوند.

اما عایشه دختر ابی بکر همسر رسول خدا ایا جزو محسنات بوده است؟ ایا از الله عزوجل و پیامبرش اطاعت میکرد ؟ یا پیامبر اکرم (ص) را آزار واذیت میکرد ؟
خداوند در آیه ۵۷ سوره احزاب میفرماید (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا)
بی شک آنهایی که خدا و رسول او را می آزارند خداوند آنها را در دنیا و آخرت لعنت کرده (از رحمتش دور داشته) و برای آنها عذابی خوارکننده مهیا نموده است.

وبه اعتراف عمر بن الخطاب عائشه رسول الله را آزار واذیت میکرد !
فَقَالَ عُمَرُ فَقُلْتُ لَأَعْلَمَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ قَالَ قَدْ خَلَّتْ عَلَى عَائِشَةَ فَقُلْتُ يَا بَنْتَ أَبِي بَكْرٍ أَقْدَ بَلَغَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تُؤْذِيَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ مَالِي وَمَالِكَ يَا بْنَ الْخَطَّابِ

صحيح مسلم ، ج ۲ ، ص ۱۱۰۶

عمر بن الخطاب گفت وارد اتاق عائشه شدم و گفتم ای دختر ابوبکر کارت به جایی رسیده است که رسول خدا (ص) را آزار واذیت میکنی! گفت به تو ربطی ندارد ای پسر خطاب!!

وجالب این است که ابن تیمیه میگوید کسی که پیامبر را آزار واذیت کند حتی توبه اش مقبول نیست !

ابن تیمیه در کتاب الصارم المسلول علی شاتم الرسول ص ۴۷ میگوید:
لأن مؤذي النبي صلى الله عليه وسلم لا تقبل توبته إذا تاب
زیرا که توبه فردی که پیامبر را آزار واذیت میکند پذیرفته نیست حتی اگر توبه کند !

وایضا در جای دیگری ابن تیمیه میگوید:
فعلم أن إيذاء رسول الله محادة لله ولرسوله لأن ذكر الإيذاء هو الذي اقتضى ذكر المحادة فيجب أن يكون
دخلا فيه ولولا ذلك لم يكن الكلام مؤثلا إذا أمكن أن يقال: إنه ليس بمحاد ودل ذلك على أن الإيذاء
والمحاداة كفر لأنه أخبر أن له نار جهنم خالدا فيها ولم يقل "هي جزاؤه" وبين الكلامين فرق بل المحادة
هي المعادة والمشاقة وذلك كفر ومحاربة فهو أغلظ من مجرد الكفر فيكون المؤذي لرسول الله صلى الله
عليه وسلم كافرا عدوا لله ورسوله محاربا لله ورسوله

● ترجمه: ﴿ پس دانسته شد که آزار واذیت رسول الله (ص) دشمنی با الله عزوجل ورسول الله(ص) است﴾ زیرا که اذیت کردن سبب ذکر دشمنی در ایه قران کریم است پس باید در آن داخل باشد و اگر اینگونه نبود، ایه قران کریم نظمی نداشت درحالی که می شد گفت : آن دشمنی نیست بلکه دال بر این است که اذیت و دشمنی کفر است زیرا که خداوند خبر داده است که در آتش جهنم جاودان است و نگفت که آتش جزای اوست بین دو کلام فرق هست بلکه محادة همان دشمنی و آزار رسانی است و این کفر و جنگیدن است و از کفر خالی(کافر غیر حربی) غلیظ تر است.﴿پس مودی رسول الله(ص) کافر و دشمن الله عزوجل و رسول الله (ص) میباشد﴾ □
الصارم المسلول علی شاتم الرسول ، ابن تیمیه الحرنانی ، ص ۲۷

✓سخن ابن تیمیه واضح وصریح است که هرکس رسول الله (ص) را اذیت کند کافر میباشد و با الله عزوجل و رسولش(ص) دشمن میباشد

حال لطفا به این سوالات پاسخ بدید:
۱ کسی که پیامبر اکرم را آزار و اذیت کرده است آیا تقوا دارد ؟ اگر تقوا ندارد که همانند دیگر زنانی که ایمان ندارند میباشد و این نص کلام الله عزوجل است.
۲: یک روایت با سند صحیح ذکر کنید که عائشه بنت ابی بکر از آزار واذیت رسول الله (ص) توبه کرده باشد.

۳: با فرض اینکه روایتی وجود دارد که عائشه توبه کرده است ! (که همچنین روایتی موجود نیست) به اعتراف ابن تیمیه کسی که پیامبر را اذیت کند﴿□﴾ توبه اش مقبول نیست ﴿□﴾ و محارب با الله عزوجل و رسولش است ! و به نص قران کریم کسی که پیامبر را آزار واذیت و محارب با الله عزوجل است در دنیا و آخرت ملعون است و جهنمی میباشد !

وقتی که نص صریح قران کریم وسنت نبوی واضح و جلی است علت عدم تمسک به کتاب الله وسنت درباره عائشه چیست ؟ خداوند میگوید مودی رسول الله (ص) جهنمی است ... ابن تیمیه میگوید مودی رسول الله توبه ندارد و در جهنم است زیرا که دشمن الله عزوجل و رسولش است ... چرا به اقوال الله عزوجل و رسولش و ابن تیمیه عمل نمیکند ؟
تمام

خاقانی شروانی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله ناصر أوليائه الصادقين، ومذل أعدائه الكاذبين، والصلاة والسلام على نبينا محمد الصادق الأمين، وعلى إخوانه من الأنبياء والمرسلين، وأصحابه الغر الميامين، وأزواجه أمهات المؤمنين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.
اما بعد:

عزیزانی که شاهد یا بعداً خواننده‌ی مناظره هستی، سلام الله علیکم ورحمته وبرکاته.
حیاکم الله جمیعاً...

ابتدا در خصوص ایمان توضیحاتی خدمت دوستان حاضر در گروه ارائه می‌کنم؛ نکته‌ی اول:
ایمان در لغت یعنی تصدیق، و در اصطلاح «قول زبان، اعتقاد قلب و عمل جوارح است.»

در حدیث صحیح آمده است: «أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر، وتؤمن بالقدر خيره وشره.»

صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیسابوری، دار إحياء التراث العربی، ج ۱، ص ۳۶
ترجمه: ایمان آن است که به الله، ملائکه‌اش، کتاب‌اش، فرستادگانش، و زمان قیامت ایمان بیاوری، و نیز به قدر خیر و شرش باورمند باشی.

+ قاعده: اسلام و ایمان نواقضی دارد که غالباً بین مسلمانان متفق و بعضاً دارای تفصیل است.
+ قاعده: در نقض اسلام و ایمان یک شخص، موانعی وجود دارند، که عبارتند از: جهل، خطا، تأویل و اکراه.

+ قاعده: اصل در مسلمانان بر سلامت و برائت است.
+ قاعده: گناهان و معاصی اگرچه از کبائر باشند، شخص را به هیچ عنوان از اسلام خارج نکرده و مطلق ایمان را هم از بین نمی‌برند، و جز فرقه‌ی «خوارج»، احدی با ما در این قواعد اختلاف ندارد.

اگر احیاناً جناب مختار در این چهار قاعده که بنده ذکر کردم و حقیقتاً بستر علمی این مناظره است، مناقشه‌ای دارد، بفضل الله در خدمتش خواهیم بود و به اشکالاتش پاسخ خواهیم داد.

نکته‌ی دوم: احترام همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و تعظیم ایشان که أمهات المؤمنین هستند، به نص صریح قرآن کریم، بر تمامی مسلمانان واجب است.

الله -سبحانه و تعالی- در کتاب خود می‌فرماید: {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ} (۲۳:۶)

ترجمه: پیامبر به مؤمنان از خودشان هم سزاوارتر، و همسران ایشان، مادران ایمان‌داران هستند.

می‌گوییم: نام‌گذاری همسران ایشان به مادران مؤمنان (علاوه بر تحریم نکاح با ایشان که در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب نیز آمده است)، دلیل بر وجوب احترام‌گذاشتن به ایشان است، و أم المؤمنین عائشه -رضی الله عنها- نیز به اتفاق از أمهات المؤمنین محسوب می‌شود، والحمد لله رب العالمین.

اینکه گفتند برتری به تقواست، کلامی صحیح و به جاست، اما به شرطی که دارد و آن هم پذیرفتن این مسئله است که اصل أم المؤمنین بودن یک شرف و فضیلت محسوب می‌شود. به این معنا که اگر بر فرض یکی از همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- از اسلام مرتد می‌شدند، این شرف ساقط می‌شد، اما وقتی این مسئله رخ ندهد، شرف نیز ساقط نمی‌شود.

از اذیت کردن پیامبر -صلی الله علیه وسلم- سؤال کردند، پس می‌گوییم:
اولاً، کلام بین یک مرد و همسرانش یک مسئله طبیعی است و اذیتی که در آیه آمده محسوب نمی‌شود و بحمدالله بر این مسئله ادله فراوانی نزد ما موجود است.

ثانیاً، آقای علامه طبرسی شیعی می‌گوید:

«روى علي بن إبراهيم بن هاشم بن أبيه عن النضر بن سويد عن هشام عن الصادق قال: إن إبراهيم كان نازلاً في بادية الشام، فلما ولد له من هاجر إسماعيل، اغتمت سارة من ذلك غما شديداً، لأنه لم يكن له منها ولد، فكانت تؤذي إبراهيم في هاجر وتغمه. فشكا ذلك إبراهيم إلى الله عز وجل فأوحى الله إليه: إنما مثل المرأة مثل الضلع المعوج، إن تركته استمعت به، وإن رمت أن تقيمه كسرتة.»

مجمع البيان، الشيخ الطبرسي، مؤسسة الأعلمي، ج ۱، ص ۲۸۸
خلاصه ترجمه: ساره از فرزند دار شدن هاجر -عليهما السلام- بسیار غمناک شد، زیرا فرزندی نداشت، بنابراین ابراهيم -عليه السلام- را اذیت می‌کرد...

سؤال: حکم ساره -عليها السلام- نزد شیعه چیست؟ آیا علمای امامیه حکم به کفر ورده او داده‌اند؟

ثالثاً، از دیدگاه شیعه ائمه در همه چیز مانند پیامبر -صلی الله علیه وسلم- هستند و مقامات ایشان برایشان ثابت است، آقای جزائری جنگ و دعوای علی و فاطمه -رضی الله عنهما- را نقل کرده‌اند:

«فدخلت عليها السلام يوماً فنظرت الي رأس علي عليه السلام في حجر الجارية. فقالت يا ابا الحسن فعلتها؟ فقالت لا والله يا بنت محمد ما فعلت شيئاً... فهبط جبرئيل عليه السلام فقال يا محمد ان الله يقرئك السلام ويقول ان هذه فاطمة تشكو عليك، فلا تقبل منها في علي شيئاً...»
الأنوار النعمانية، نعمة الله الجزائري، دار الكوفة، ج ١، ص ٦٣

حكم فاطمه رضی الله عنها چیست؟

در خصوص سؤال ایشان:

«حدثنا محمد بن بشار، حدثنا غندر، حدثنا شعبة، عن الحكم، سمعت أبا وائل، قال: لما بعث علي، عماراً، والحسن إلى الكوفة ليستنفرهم خطب عمار فقال: إني لأعلم أنها زوجته في الدنيا والآخرة، ولكن الله ابتلاكم لتتبعوه أو إياها.»

صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل البخاري، دار طوق النجاة، ج ٥، ص ٢٩

این حدیث صحیح است و ثابت می‌کند که عائشه -رضی الله عنهما- بهشتی هستند، و می‌دانیم که کفار وارد بهشت نمی‌شود، تنها مؤمنان استحقاقش را دارند.
والسلام علیکم ورحمة الله

Almokhtar ۲۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ایمان نزد ما شیعیان همانطور که امام رضا علیه السلام فرمودند: بیان زبانی و تصدیق قلبی و عمل به ارکان است و اگر فعلی را انجام دهد که خارج از این بستر ایمان منتفی است سخن من هم درباره انواع ایمان نیست که چه هست و چه نیست
ایشان در تعریف ایمان گفتند (ایمان یک امر قلبی هست و نمیشود از ظاهر فرد به ان رسید) پس طبق تعریف شما نمیتوان ایمان عائشه را اثبات کرد
اما درباره ام المومنین بودن در کتب اهل سنت آمده است که منظور از این امومت صرفاً تحریم نکاح آنان است

وقد روی مسروق عن عائشة أن امرأة قالت يا أمه فقالت لست لك بأم إنما أنا أم رجالكم؛ فبان بهذا الحديث أن معنى الأمومة تحریم نکاحهن فقط.
ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفى ٥٩٧ هـ)، زاد المسير في علم التفسير، ج ٦، ص ٢٥٣
(ترجمه: و مسروق از عائشه روایت کرده است که یک زنی به عائشه گفت ای مادر که گفت من مادر تو نیستم بلکه مادر مردان شما هستم. پس از این حدیث مشخص میشود که معنی مادر بودن صرفاً تحریم نکاح آنان است)

وهمین امر را ابن عادل دمشقی میگوید:
روی الشّعبي عن مسروق أن امرأة قالت لعائشة يا أمه فقالت: لست لك بأم إنما أنا أم رجالكم فدل هذا على أن معنى هذه الأمومة تحریم نکاحهن.
ابن عادل الدمشقي الحنبلي، ابوحفص عمر بن علي (متوفای بعد ٨٨٠ هـ)، اللباب في علوم الكتاب، ج ١٥، ص ٥٠٤،

(میگوید: شعبی از مسروق روایت نقل کرده است که یک زنی به عائشه گفت ای مادر پس عائشه گفت: من مادر تو نیستم بلکه مادر مردان شما هستم. پس این معنی مشخص میکند که منظور از این مادر بودن تحریم نکاح است)

پس امر مادر بودن به خودی هرگز فضیلت محسوب نمیشود و سبب ایمان عائشه نمیشود بلکه به زمانی فضیلت است که ایمان عائشه ثابت شود و خودشان هم اقرار کردند که شرف ساقط نمیشود

سپس شبهاتی دیگر مطرح کردند که هیچ کدام به اصل موضوه ربط ندارد

گفتند که در تفسیر علی بن ابراهیم قمی روایتی هست که همسر حضرت ابراهیم ایشان را اذیت میکرد ... ربطش به موضوع چیست ؟ آیا در قرآن کریم گفته شده است هرکس ابراهیم علیه السلام را اذیت کند پس کافر است ؟
یا این احکام مختص رسول الله (ص) است ؟
سپس شبهه مضحک دیگری نقل کردند که درباره امام علی علیه السلام است اصلا خارج موضوع هست سندش را هم ذکر کنند جوابش را خواهم داد
موضوع ایمان عایشه هست آیا مومن است یا خیر ؟

ابن تیمیه گفته است :
فعلم أن إيذاء رسول الله محادة لله ولرسوله لأن ذكر الإيذاء هو الذي اقتضى ذكر المحادة فيجب أن يكون داخلا فيه ولولا ذلك لم يكن الكلام مؤتلفا إذا أمكن أن يقال: إنه ليس بمحاد ودل ذلك على أن الإيذاء والمحادة كفر لأنه أخبر أن له نار جهنم خالدا فيها ولم يقل "هي جزاؤه" وبين الكلامين فرق بل المحادة هي المعادة والمشاقة وذلك كفر ومحاربة فهو أغلظ من مجرد الكفر فيكون المؤذي لرسول الله صلى الله عليه وسلم كافرا عدوا لله ورسوله محاربا لله ورسوله

● ترجمه: ﴿ پس دانسته شد که آزار واذیت رسول الله (ص) دشمنی با الله عزوجل ورسول الله(ص) است﴾ زیرا که اذیت کردن سبب ذکر دشمنی در ایه قرآن کریم است پس باید در آن داخل باشد و اگر اینگونه نبود، ایه قرآن کریم نظمى نداشت درحالی که می شد گفت : آن دشمنی نیست بلکه دال بر این است که اذیت و دشمنی کفر است زیرا که خداوند خبر داده است که در آتش جهنم جاودان است و نگفت که آتش جزای اوست بین دو کلام فرق هست بلکه محادة همان دشمنی و آزار رسانی است و این کفر و جنگیدن است و از کفر خالی(کافر غیر حربی) غلیظ تر است.﴿پس مودى رسول الله(ص) کافر و دشمن الله عزوجل و رسول الله (ص) میباشد﴾! ﴿٢٧﴾
الصارم المسلول على شاتم الرسول ، ابن تیمیة الحرانى ، ص٢٧

✓سخن ابن تیمیه واضح وصریح است که هرکس رسول الله (ص) را اذیت کند کافر میباشد وبا الله عزوجل و رسولش(ص) دشمن میباشد

عائشه رسول الله (ص) را اذیت میکرده است ! چرا این حکم روی عائشه نباشد ؟
درباره روایت بخاری برادر جان قاعده الزارم را یاد بگیرید لطفا
روایت بخاری ربطش به بنده چی هست ؟
پس هیچ سوالی را جواب ندادند

بریم سراغ مهذور الدم بودن عائشه طبق کتب اهل سنت
عائشه مهذور الدم است ولی رسول الله (ص) انرا نکشت تا مردم نگویند که حضرت محمد(ص) اصحاب خود را میکشد !

ابن تیمیه در کتاب الصارم المسلول على شاتم الرسول ، ص ٢٣٧ میگوید :
ولما قال ذو الخويصرة: اعدل فإنك لم تعدل وعند غير هذه القضية أنه أنما لم يقتلهم لئلا يتحدث الناس أن محمدا يقتل أصحابه فإن الناس ينظرون إلى ظاهر الأمر فيرون واحدا من أصحابه قد قتل فيظن الظان أنه يقتل بعض أصحابه على غرض أو حقد أو نحو ذلك فينفر الناس عن الدخول في الإسلام...
●ترجمه : وان هنگامی که ذو الخويصره گفت □عدالت کن زیرا عدالت را رعایت نکردی□ و در دیگر قضايا او (پیامبر اکرم) آنان را نکشته است تا مردم نگویند که حضرت محمد(ص) اصحاب خود را میکشد زیرا که مردم به ظاهر امر نگاه میکنند و وقتی میبینند یکی از اصحاب حضرت محمد (ص) کشته شده است گمان میکنند که از روی کینه و یا غرض آنان را کشته است ومردم از ورود به اسلام نفرت پیدا میکنند (

میگویم : ذو الخويصره عدالت را از رسول الله(ص) را زیر سوال برده است !ومستحق قتل شد.
وایضا در همین کتاب الصارم المسلول على شاتم الرسول ج ١ ص ٥٢٨ میگوید:
﴿ومن هذا الباب قول القائل: إن هذه لقسمة ما أريد بها وجه الله وقول الآخر: اعدل فإنك لم تعدل وقول ذلك الأنصاري: أن كان ابن عمك فإن هذا كفر محض﴾

●ترجمه :

و از این باب گفته قائل : این قسمی است که وجه خداوند به ان خواسته نشده است و یا قول فردی دیگر عدالت کن زیرا تو عدالت نکردی و قول ان انصاری بخاطر این است که پسر عمت میباشد این کفر محض است ﷻ ﷻ ﷻ

✓ نتیجه : طبق قول ابن تیمیه هرکس در عدالت رسول الله (ص) شک کند مهذور الدم و کافر است ﷻ
✓ میگویم : عائشه در عدالت و نبوت رسول الله (ص) شک کرده است !
قبل بیان مطلب کلمه <زعم> را از کتب لغت بیان میکنم :

زعم: زعم فلان أن الأمر كيت وكيت زعما وزعما إذا شككت أنه حق أو باطل وأكثر ما يستعمل في الباطل
أساس البلاغة ، محمود بن عمر الزمخشري ، ج ١ ، ص ٢٧١

ترجمه : فلانی زعم کرد که ان امر چنین وچنان است وزعم زعما وزعما اگر کسی شک کند که این امر حق است یا باطل و بیشتر در ابطال استفاده میشود.

پس امر اول این است که معنی ^زعم^ شک است

حال روایت را نقل میکنم :
- حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ شَقِيقٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْجَرَمِيُّ الْبَصْرِيُّ، حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عُبَادٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: " وَكَانَ مَتَاعِي فِيهِ خَفٌّ، وَكَانَ عَلَيَّ جَمَلٌ نَاجٍ، وَكَانَ مَتَاعُ صَفِيَّةَ فِيهِ ثِقَلٌ، وَكَانَ عَلَيَّ جَمَلٌ ثَقَالٌ يَطِيءُ يَتَبَطَّ بِالرَّكْبِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حَوَّلُوا مَتَاعَ عَائِشَةَ عَلَى جَمَلِ صَفِيَّةَ، وَحَوَّلُوا مَتَاعَ صَفِيَّةَ عَلَى جَمَلِ عَائِشَةَ حَتَّى يَمْضِيَ الرَّكْبُ». قَالَتْ عَائِشَةُ: فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ قُلْتُ: يَا لِعِبَادِ اللَّهِ غَلَبَتْنَا هَذِهِ الْيَهُودِيَّةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَتْ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أُمَّ عَبْدِ اللَّهِ إِنْ مَتَاعُكَ كَانَ فِيهِ خَفٌّ وَكَانَ مَتَاعُ صَفِيَّةَ فِيهِ ثِقَلٌ، فَأَبْطَأَ بِالرَّكْبِ فَحَوَّلْنَا مَتَاعَهَا عَلَى بَعِيرِكَ، وَحَوَّلْنَا مَتَاعَكَ عَلَى بَعِيرِهَا». قَالَتْ: فَقُلْتُ: أَلَسْتُ تَزْعُمُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَتْ: فَتَبَسَّمَ. قَالَ: أَوْ فِي شَيْءٍ أَنْتَ يَا أُمَّ عَبْدِ اللَّهِ؟ " قَالَتْ: ﴿قَالَ﴾ قُلْتُ: أَلَسْتُ تَزْعُمُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ؟ أَفَلَا عَدَلْتُ؟ ﴿قَالَ﴾ وَسَمِعَنِي أَبُو بَكْرٍ وَكَانَ فِيهِ غَرْبٌ - أَيُّ جِدَّةٍ - ﴿قَالَ﴾ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَلَطَمَ وَجْهِي ﴿قَالَ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَهْلًا يَا أَبَا بَكْرٍ» فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا سَمِعْتَ مَا قَالَتْ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الْغَيْرَى لَا تَبْصُرُ أَسْفَلَ الْوَادِي مِنْ أَعْلَاهُ»

[حكم حسين سليم أسد] : رجاله ثقات

https://library.islamweb.net/hadith/display_hbook.php?bk_no=٤١٧٠&hid=٧١٤&pid=٥٥٧٢٤٨

● ترجمه : عبد الله بن زبیر از عائشه نقل می کند که گفت: (در سفر حجة الوداع) توشه من سبکتر و شترم نیز تندرو بود؛ ولی توشه صفیه سنگین تر و شترش نیز کندروتر بود و سبب شده بود که کاروان آرام حرکت کند، ﴿قَالَ﴾ رسول خدا (ص) فرمود: توشه عائشه را بر شتر صفیه و توشه صفیه را بر شتر عائشه بار کنید، تا کاروان تندتر حرکت کند. ﴿قَالَ﴾ عائشه می گوید: وقتی این چنین دیدم گفتم: ای وای این زن یهودی پیش پیامبر از ما عزیزتر شد . رسول خدا فرمود: ای ام عبد الله (کنیه عائشه) توشه تو سبک و توشه صفیه سنگین است، این سبب شده است که کاروان به آرامی حرکت کند و ما توشه او را بر شتر تو و توشه تو را بر شتر او بار کردیم. ﴿قَالَ﴾

عائشه می گوید که من گفتم: ﴿قَالَ﴾ آیا تو نیستی که خیال می کنی که پیامبر خدا هستی؟ رسول خدا تبسم کرد و فرمود: آیا در این مسأله شک داری؟ ﴿قَالَ﴾ عائشه می گوید: دوباره گفتم: آیا تو نیستی که خیال می کنی رسول خدا هستی! پس چرا عدالت را رعایت نمی کنی؟ ابوبکر که بسیار تندخو بود جلو آمد و به صورتم سیلی زد، رسول خدا فرمود: صبر کن ای ابوبکر! ابوبکر گفت: ای پیامبر خدا مگر نشنیدی که او چه گفت؟ رسول خدا فرمود: زنان وقتی غیرتشان به جوش می آید، ته دره را از بالای آن تشخیص نمی دهند

روایت رو برنامه وهابی جوامع الکلم حسن میداند :



ابن حجر عسقلانی میگوید سند روایت مشکلی ندارد
وقد أخرج أبو يعلى بسند لا بأس به عن عائشة مرفوعاً أن الغبراء لا تبصر أسفل الوادي من أعلاه قاله
في قصة
فتح الباري ج ٩ ص ٣٢٥

وايضا صالح شامی میگوید سندش عیبی ندارد وقوی است:
سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد ، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحى الشامى الوفاة:
٩٤٢هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٤هـ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عادل أحمد عبد
الموجود وعلي محمد معوض
. وروی أبو يعلى بسند لا بأس به وأبو الشيخ بن حبان بسند جيد قوي عن عائشة - رضي الله تعالى
عنها - قالت كان في متاعي خفالخ
سبل الهدى والرشاد ج ٩ ص ٧١
میگوید ابو يعلى ان را با سندی که ایرادی ندارد نقل کرده است و ابن حبان با سند قوى نقل کرده است
..... (سپس روایت را نقل میکند)

ودر کتاب المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية با تحقیق عبد الله بن عبد المحسن بن أحمد التوبجری
میگوید سند حسن است.

وايضا دکتر وهابى معاصر عبدالرحمن بن عايد العايد میگوید :

وقد أخرج أبو يعلى بسند لا بأس به كما قال ابن حجر عن عائشة مرفوعاً ((إن الغبراء لا تبصر أسفل
الوادي من أعلاه)).

<http://islaamlight.com/alaaed/index.php?option=content&task=view&id=٢١&pop=١&pa1&ge=>

ایشون ایضا تصریح میکند که سند روایت ایرادی ندارد

وايضا العاصمي مكى در کتاب خود سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي ج ١ ص ١٩٣ تصریح
میکند سند روایت حسن است ومیگوید :

وروى أبو يعلى وأبو الشيخ ابن حبان - وسنده حسن - عن عائشة قالت: كان متاعي فيه خفة
ترجمه : و ابو الشيخ و ابو يعلى با سند حسن از عائشه نقل کردند ... الخ
پس سند روایت معتبر است وعائشه در نبوت پیامبر (ص) شک میکند وبنده هم کلیپی رو از علمای
وهابى میفرستم که به این روایت استناد میکند ومیگوید اگر احدی غیر عائشه ان را بگوید کافر میشود
! گویا نزدشان عائشه خورش رنگی تر است ویا خداوند العیاذ بالله پارتی دارد !

بنده کلیپی را از علمای وهابیت ارسال میکنم (ایضا کلیپ را اپلود کردم تا بتوان لینک را در فایل مشاهده
قرار داد)

عالم وهابی : وعائشه کلامی میگوید که اگر احدی غیر او، آن را بگوید کافر میشود! آیا تو نیستی که خیال می کنی که پیامبری یعنی در نبوت پیامبر (ص) شک داشت (لینک کلیپ http://yon.ir/RRfi1)

و طبق قران کریم کسی که شک دارد در دلش مرضی است ! خداوند میگوید:
﴿ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ يَمَّا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴾ (۱۰) ﴿﴾
(در دل های آنان بیماری است و خدا نیز بر بیماری آنها می افزاید). (بقره آیه ۱۰)
مفسران اهل سنت مرض موجود در ایه را شک را معرفی کردند .. پس شامل حال عائشه نیز میشود !
ابن ابی حاتم یکی از مفسران بزرگ اهل سنت میگوید :
۱۱۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ أَنبَأَ أَبُو عَبَّاسٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو، ثنا سَلَمَةُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: فِيمَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مُحَمَّدٍ، عَنْ عِكْرَمَةَ أَوْ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: ﴿﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَيْ شَكٌّ. ﴿﴾
http://yon.ir/kkmjs

۱۱۳ - حَدَّثَنَا عَصَامُ بْنُ رَوَادٍ بْنُ الْجَرَّاحِ الْعَسْقَلَانِيُّ، ثنا أَدَمُ بْنُ أَبِي إِيسَى، ثنا أَبُو جَعْفَرٍ الرَّازِيُّ، عَنْ الرَّبِيعِ بْنِ أَنَسٍ، عَنْ أَبِي الْعَالِيَةِ: يَقُولُ اللَّهُ: ﴿﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَعْنِي الشَّكَّ. قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ: وَكَذَا رَوَى عَنْ مُجَاهِدٍ، وَالْحَسَنِ، وَعِكْرَمَةَ، وَالرَّبِيعِ بْنِ أَنَسٍ، وَالسَّدي، وَقَتَادَةَ. ﴿﴾
تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم ج ۱ ص ۴۳
ترجمه : از ابن عباس . مجاهد . الحسن . عکرمه . والربیع بن انس وقتاده و سدی (که همگی این افراد از استوانه های تفسیری قران کریم نزد بکره هستند نقل شده است) که در قول الله عزوجل : ﴿﴾ فی قلوبهم مرض (در دل آنان بیماری است) یعنی شک دارند

حال عائشه طبق سخن ابن تیمیه که گفته است شک در عدالت پیامبر کفر محض است وعائشه هم شک در نبوت کرده است هم شک در عدالت حکمیش چیست ؟ ایا باز او از مومنات تقی واز صالحات میباشد یا خیر ؟ : ذو الخویصره عدالت را از رسول الله(ص) را زیر سوال برده است ! ایضا عائشه عدالت رسول الله را زیر سوال برده است ! فرق بین عائشه و ذو الخویصره چیست ! چرا ذو الخویصره را مستحق قتل میدانید ولی عائشه را خیر !جرم هر دوی آنان یکبست ! چرا عدالت را رعایت نمیکنید؟!
وایضا لطفا اسئله مطرح شده در وقت اول را جواب بدین ممنون میشیم

خاقانی شروانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مختار میگوید: "پس طبق تعریف شما نمیتوان ایمان عائشه را اثبات کرد"
اولاً، اعمال جوارح سبب زیاد یا کم شدن ایمان می شوند، اما هیچ عملی جز شرک و رده نمی تواند مطلق ایمان را از بین ببرد، و همانطور که در ابتدای مناظره بیان کردم، تنها فرقه خوارج قائل به این هستند.

ثانیاً، حدیث صحیح بحمدالله در اثبات بهشتی بودن ایشان داریم، و خداوند می فرماید:
{قَامَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ} (۴۵:۳۰)
پس این هم دلیل قول زبان و عقیده قلب و هم اعمال جوارح است، والحمدلله.
پس بهشتی بودن ایشان را با حدیث صحیح ثابت کردیم و سؤال و تحدی که جناب مختار گفت در تایم قبلی به پایان رسید!

او میگوید: "اما درباره ام المومنین بودن در کتب اهل سنت آمده است که منظور از این امومت صرفاً تحریم نکاح آنان است"

اولاً، علمای اهل سنت که در وجوب احترام ایشان شک ندارند، پس عدم ذکر -فرضاً- سبب این نمی شود که بگوئیم از آیه چنین چیزی استفاده نشده است. اما بسیاری از علماء این را هم ذکر کرده اند، مثلاً ابن جوزی -رحمه الله- می فرماید:

«قوله تعالى: وأزواجه أمهاتهم، أي: في تحریم نکاحهن علی التأبید، ووجوب إجلالهن وتعظیمهن.»
زاد المسیر، ابن الجوزي، دار الفكر، ج ۳، ص ۴۴۸

البته استاد به تفسیر ایشان استناد کردند، اما قول ایشان را نیاوردند!!!

ثانیاً، ببینیم علمای عزیز شیعه چه می‌گویند! آقای محمد حسین طباطبائی می‌گوید: «وقوله: (وَأَزَاجَهُ أَمْهَاتُهُمْ) جعل تشريعي أي انهن منهن بمنزلة أمهاتهم في وجوب تعظيمهن وحرمة نكاحهن بعد النبي صلى الله عليه وآله وسلم.»

تفسیر المیزان، محمد حسین الطباطبائی، منشورات اسماعیلیان، ج ۱۶، ص ۲۷۷

ترجمه: این قول جعل تشریعیست، یعنی آنان به منزله مادرانشان هستند، چه در واجب بودن بزرگداشتن و تعظیم ایشان، و چه در حرمت نکاح بعد از پیامبر -صلی الله علیه وسلم-.

پس طبق آیه مبارکه، احترام گذاشتن به همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- «واجب شرعی» است....

از آنجا که تصویر گروه انصار العقیده، آقای سید علی خامنئی است، بنده قول آقای خامنئی را هم می‌آورم تا این بحث کامل‌تر شود:

«ام‌المؤمنین عایشه می‌گوید که گاهی یک ماه از مطبخ خانه ما دود بلند نمی‌شد.»

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۰>

پس از مرجع عالیقدر جهان تشیع، و رهبر کنونی نظام ایران؛ ثابت کردیم که ایشان ام‌المؤمنین هستند، و از کتب شیعه هم ثابت کردیم که احترام امهات المؤمنین واجب است!

جناب مختار گفت: " گفتند که در تفسیر علی بن ابراهیم قمی روایتی هست که همسر حضرت ابراهیم ایشان را اذیت میکرد ... ربطش به موضوع چیست ؟ ایا در قران کریم گفته شده است هرکس ابراهیم علیه السلام را اذیت کند پس کافر است ؟ "

چه کسی از علما و اکابر شیعه گفته است که اذیت کردن سایر انبیاء جائز بوده و اینکه اذیت نبی کفر باشد، تنها مختص خاتم الانبیاء است؟! مگر مسائل عقیده و ایمانیات، مانند مسائل احکام عملیست که نسخ شده یا از شریعتی به شریعتی دیگر تفاوت کند؟!

بفرمائید پاسخ دهید که حکم ساره -علیها السلام- و فاطمه -رضی الله عنها- از نظر علمای شیعه چیست؟

اگر نه، تنها یک عالم شیعه را بیاورید که گفته باشد: اینکه ایداء سبب کفر شود، از خصائص نبی -صلی الله علیه وسلم- است!

جناب مختار گفتند که: "سند روایت جزائری را بیاورید! گویا آقای مختار نمی‌داند که آقای جزائری این روایت را تصحیح کرده است؟ حکم آقای جزائری بر فاطمه -رضی الله عنها- چیست که با امام معصوم منازعه و دعوا داشته است؟!"

این روایت را آقای جزائری تصحیح کرده، اما آن را سبب کفر نمی‌داند، پس شما را به فهم نعمت الله جزائری هم ملزم می‌کنیم!

بعد استناد کردند به قول ابن تیمیه -رحمه الله-!

اولاً، ثابت کردیم که این مسئله شامل مسائل زناشویی نمی‌شود و اگر بر این تکفیر لازم آید، باید ساره و فاطمه -رضی الله عنهما- را هم تکفیر کنید!

ثانیاً، قول ابن تیمیه -رحمه الله- که فرموده توبه مقبول نیست، اگر کامل می‌آوردید برایتان بهتر بود:

«وأعلم أنه على هذا القول تكون هذه الآية حجة أيضا موافقة لتلك الآية لأنه لما كان رمي أمهات المؤمنين أذى للنبي صلى الله عليه وسلم لعن صاحبه في الدنيا والآخرة ولهذا قال ابن عباس: "ليس فيها توبة" لأن مؤذي النبي صلى الله عليه وسلم لا تقبل توبته إذا تاب من القذف ۞ حتى يسلم إسلاماً جديداً وعلى هذا فرميهن نفاق مبيح للدم إذا قصد به أذى النبي صلى الله عليه وسلم أو أذاهن بعد العلم بأنهن أزواجه في الآخرة فإنه ما بغت امرأة نبي قط.»

الصارم المسلول، ابن تیمیة الحرانی، ص ۷۷

دو نکته از کلام شیخ الاسلام پیداست:

۱. ایشان در خصوص افک سخن می‌گوید!
۲. ایشان نگفته توبه پذیرفته نمی‌شود و این تدلیس جناب مختار است که متن را قیچی کرده، بلکه توبه را ایشان تجدید اسلام می‌دانند!

روایتی که نقل کردند، که «الست تزعم أنك رسول...»، این روایت ضعیف است اما نه در ظاهر حدیث پس تصحیح سند کفایت نمی‌کند! این حدیث عله خفیه دارد و آن هم عدم تصریح ابن اسحاق -رحمه الله- به تحدیث است، در نتیجه حدیث معلول و حدیث معلول هم از احادیث ضعیف است و ارزشی ندارد!!

ابن حجر -رحمه الله- در کتاب طبقات المدلسین می‌گوید:
 «محمد بن إسحاق بن يسار المطلبی المدنی صاحب المغازی صدوق مشهور بالتدلیس عن الضعفاء والمجهولين وعن شر من هم وصفه بذلك أحمد والدارقطني وغيرهما.»
 طبقات المدلسین، ابن حجر العسقلانی، ص ۵۱

این کدام مرتبه است؟
 مرتبه چهارم است.

مرتبه چهارم حکمش چیست؟
 «الرابعة: من اتفق على أنه لا يحتج بشئ من حديثهم الا بما صرحوا فيه بالسماع.»
 طبقات المدلسین، ص ۱۴
 ترجمه: طبقه چهارم همان است که علماء متفق هستند بر حدیثشان احتجاج نمی‌شود مگر اینکه به سماع و تحدیث تصریح کنند.

سؤال: حکم فاطمه و ساره -رضی الله عنهما- از دید علمای شیعه چیست؟
 سؤال: کدام عالم شیعی، کفر بودن ایداء انبیاء را از خصائص خاتم الانبیاء -علیه السلام- دانسته است؟
 سؤال: آیا دلیلی دارید که عائشه -رضی الله عنها- را خداوند غیر مؤمن و غیر محسن و... دانسته باشد؟
 اگر است بیاورید.
 والسلام علیکم ورحمة الله

Almokhtar ۳۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم
 بنده هم نگفته ام که اعمال به جوارح سبب اضافه شدن ایمان نمیشوند ایمان امر قلبی هست و طبق عقیده شما علم غیب فقط خدا داره پس همیشه حکم قطعی داد به ایمان کسی مگه اینکه سخنی از پیامبر باشه که ما شما را تحدی میکنیم برای مایک روایت سند صحیح بیارید اونهم از کتب شیعه چون کتب شما برای ما حجت نیست که عائشه قطعاً بهشتی هست اما درباره ام المومنین فعلاً بحث درباره احترام یا غیر احترام نیست قتيله ایضا زن پیامبر بود و مرتد شد ایا باید احترامش را داشت ؟

۶۵۴ م - مَا قَدْ حَدَّثَنَا ابْنُ خُزَيْمَةَ، حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مِنْهَالٍ، حَدَّثَنَا جَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ، عَنِ دَاوُدَ، عَنِ الشَّعْبِيِّ: " أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَزَوَّجَ قَتِيلَةً بِنْتَ قَيْسٍ وَمَاتَ عَنْهَا ثُمَّ تَزَوَّجَهَا عِكْرَمَةُ بْنُ أَبِي جَهْلٍ فَأَرَادَ أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَقْتُلَهُ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَجْجِبْهَا، وَلَمْ يَقْسِمِ لَهَا، وَلَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَارْتَدَّتْ مَعَ أَخِيهَا عَنِ الْإِسْلَامِ وَبَرَّيْتُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، وَمِنْ رَسُولِهِ فَلَمْ يَزَلْ يَهْ حَتَّى تَرَكَهُ " [ص: ۱۲۱] فَفِي هَذَا الْحَدِيثِ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ عِكْرَمَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ؛ لِأَنَّهَا كَانَتْ عِنْدَهُ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّاتِي كُنَّ حَرَمٌ عَلَى النَّاسِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: {وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُزْوَا رَسُولَ اللَّهِ} [الأحزاب: ۵۳] الآية، وَأَنَّ عُمَرَ أَخْرَجَهَا مِنْ أَزْوَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرُدُّهَا إِلَيْهِ كَانَتْ مِنْهَا إِذْ كَانَ لَا يَصْلَحُ لَهَا مَعَهَا أَنْ تَكُونَ لِلْمُسْلِمِينَ

شرح مشکل الآثار للطحاوی ج ۲ ص ۱۲۰
 مختصر ترجمه این است که رسول الله (ص) با قتيله ازدواج کرد وبعد ایشان مرتد شد اصولاً مادر کسی بودن بدون ایمان مگر فضیلت است ؟ جدایی از احترام بحث آخرت است .. در منطق قرآنی همانطور که بیان کردیم احتمالش موجود است که مرتد شوند پس ایا باید احترام قتيله را نگه داشت ؟
 اما درباره قول عمار بن یاسر که در صحیح بخاری میگوید عایشه زن پیامبر در دنیا و آخرت هست ولی خدا شما رو به این فتنه (فتنه جمل) مبتلا کرده که بفهمه خدا رو اطاعت میکنید یا عایشه را !!

چطور عایشه که در مقابل خدا ایستاده طبق همین روایت میتونه بهشتی باشه؟ بعدشم از کی تاحالا قول یک صحابی حجت مطلق است؟ بعدشم از کی تاحالا بخاری بر من شیعه حجت است؟

درباره ایداء که از تفسیر قمی نقل است این مغلطه هست که ما درباره ایداء پیامبر دلیل میاریم ولی تو میری از ایداء ابراهیم با روایتی که در اصل کتاب تشکیک هست مطلب میاری!

روایت بخاری که بهشتی بودن عایشه رو میخواستند ثابت کنند، دشمنی عایشه با خدا رو ثابت میکرد اما درباره روایت حضرت فاطمه عزیز جان خارج بحث است ولی :

۱. الحسن بن عرفة: مجهول (معجم رجال الحديث، ج ۲، ص: ۲۷۸: من وجوه العامة)
۲. وکیع: مهمل
۳. محمد بن اسرائیل: مجهول

اما گفتند بنده در کلام ابن تیمیه تدلیس کردم!
حتی یسلم اسلاما جدیدا وعلی هذا فرمیهن نفاق
ادامه حرف ابن تیمیه این است
ایا روایتی دارید که بگوید عائشه بعد از اذیتش دوباره مسلم شد؟
خداوند عزوجل میگوید :

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلْحَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ
بعد ذلك ظهیر (۴)

اگر شما از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند. (۴)

این ایه در تمام تفاسیر وصحاح اهل سنت آمده است که منظور از ان عائشه وحفصه میباشد و حال که موضوع ما صرفا ایمان عائشه میباشد حفصه را کاری نداریم
در صحیح بخاری این روایتی آمده است که مشخص میکند این دو زن که مطالبه به توبه شده اند عائشه وحفصه میباشد :

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا

۲۳۳۶ حدثنا يحيى بن بكير حدثنا الليث عن عقيل عن ابن شهاب قال أخبرني عبيد الله بن عبد الله بن أبي ثور عن عبد الله بن عباس رضي الله عنهما قال لم أزل حريصا على أن أسأل عمر رضي الله عنه عن المراتين من أزواج النبي صلى الله عليه وسلم اللتين قال الله لهما (إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا) فَحَجَجْتُ مَعَهُ فَعَدَلُ وَعَدَلْتُ مَعَهُ بِالْإِدَاوَةِ فَتَبَرَّزَ حَتَّى جَاءَ فَسَكَبَتْ عَلَى يَدَيْهِ مِنَ الْإِدَاوَةِ فَتَوَضَّأَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمَرَاتَيْنِ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّتَانِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لهُمَا (إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ) فَقَالَ وَاعَجَبِي لَكَ يَا بَنَ عَبَّاسٍ عَائِشَةُ وَحَفْصَةُ.... الخ
صحيح البخاري ج ۲ ص ۸۷۱

مختصر ترجمه این است که ابن عباس میگوید : همیشه در صدد این بودم که از عمر بن خطاب درباره دو همسر پیامبر اکرم(ص) که الله عزوجل درباره آنان اگر شما از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته است سوال کنم سپس از ان سوال کردم وگفت انها عائشه وحفصه بوده اند

در روایت فوق مشخص میشود که عائشه وحفصه مطالبه به توبه هستند وقطعا کسی که مطالبه به توبه شده است صفت ایمان را دارا نیست وهمین را ایه ۵ مشخص میکند :
عِيسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يَبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَائِمَاتٍ تَائِبَاتٍ عَائِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)

امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت کننده، زانی غیرباکره و باکره! (۵)

ایه فوق صفت ایمان را از عائشه نفی میکند زیرا که همانطور که اثبات کردیم عائشه از حق عدول کرده است و باید توبه کند سپس در ادامه الله عزوجل بیان میکند که اگر رسول الله شما را طلاق دهد

همسرانی بهتر از شما ومومن خواهيم داد ! يعنى عائشه به نص قران كريم مومن نميباشد وهمين امر را كتب اهل سنت ايضاً بيان کرده اند

كلام الله عزوجل واضح ميباشد و در صدد ادانه عايشه ميباشد .. عائشه مطالب به توبه است ! ايا توبه كرد يا خود اعراف ميکند بعد رسول الله محدث شده است ؟
اين چه توبه اى است كه خود عائشه اقرار کرده است بدعت انجام داده است ؟
خود عايشه ميگويد بعد رسول الله من محدث شدم پس مرا در بقيع دفن كنيد
اما اينكه ميگويد محمد بن اسحاق مدلس است
اولاً تصحيح علمای اهل سنت را نقل كردم
ثانياً ابن حجر ميگويد تدليسش فقط از ضعفا است وقتى از ثقه نقل كند ضعيف نيست
وايضا شعيب ارنووط ميگويد «
مسند أحمد بن حنبل - (ج ٦ / ص ١٤٢)

٢٥١٤٢ - حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يزيد قال انا  محمد بن إسحاق  عن  يحيى بن عباد  بن عبد الله بن الزبير عن أبيه عن عائشة قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : من صلى صلاة لم يقرأ فيها بأم القرآن فهي خداج
تعليق شعيب الأرنؤوط : صحيح لغيره وهذا إسناد حسن من أجل محمد بن إسحاق
با وجود عنعنه محمد بن اسحاق سند را حسن ميداند !

سنن ابن ماجه - باقي + ألباني - (ج ١ / ص ٤٧٠)
١٤٦٤ - حدثنا محمد بن يحيى . حدثنا أحمد بن خالد الذهبي . حدثنا محمد بن إسحاق عن يحيى بن عباد بن عبد الله بن الزبير عن أبيه عن عائشة
: - قالت لو كنت استقبلت من أمري ما استدبرت ما غسل النبي صلى الله عليه وسلم غير نسائه
قال السندي والحديث قد رواه أبو داود ومع ذلك ذكره صاحب الزوائد أيضاً فقال إسناداه صحيح ورجاله ثقات . لأن محمد بن إسحاق وإن كان مدلساً لكن قد جاء عنه التصريح بالتحديث في رواية الحاكم وغيره
قال الشيخ الألباني : صحيح
البانى ميگويد صحيح
پس عائشه كافر ومهدور الدم است
ورسول الله طبق كتب شما حد را بر ان اجرا نکرد تا نگويد رسول الله اصحابش را كشت
تمام

خاقاني شرواني

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مختار می گوید: "بنده هم نگفته ام كه اعمال به جوارح سبب اضافه شدن ایمان نمیشوند ایمان امر قلبی هست و طبق عقیده شما علم غیب فقط خدا داره پس همیشه حكم قطعی داد."

می گویم: واجب است ایشان بین مسائل خلط مبحث نکند و تفريق قائل شود، زیرا فرق است بین:

١- مطلق ایمان

٢- ایمان محسنين و نیکوکاران

٣- ایمان تمام

مرتبه سوم را بنده هم از خود نفی می کنم، زیرا خداوند نیز نفرموده كه ورود به بهشت، شرطش مورد سوم است!! چنانچه فرموده است:

{قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ - الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ} (٢٣:١)

حال آیا شما در نمازتان خاشع هستید؟ نمی توانید بگید بله مسلماً هستم!
چرا؟ زیرا حضور قلب در نماز هم نسبی است، و این دلیل آن است كه ایمان يك شخص مسلم نیست كه تمام و كامل باشد.

سؤال: احدی از علمای طول تاریخ شیعه، خود را از دسته سوم می داند؟

ایشان از قتیله گفتند، هرچند نمی خواهم در اصل این مطلب به عنوان يك مسئله تاریخی تشكيك كنم، اما آیا أم المؤمنین بودن با ارتداد ساقط نمی شود؟ بله!

پس ایشان فضیلتی ندارد، اما شما دلیلی برای ارتداد عائشه -رضی الله عنها- ندارید، پس استدلالتان کلاً در غیر محلس است!

جناب مختار می‌گوید: "برای مایک روایت سند صحیح بیارید اونهم از کتب شیعه چون کتب شما برای ما حجت نیست"

اولاً این عقب‌نشینی از موضع قبلی است؛ وی در تایم‌های سابق گفت:
"۲: یک روایت با سند صحیح ذکر کنید که عائشه بنت ابی بکر از ازار واذیت رسول الله (ص) توبه کرده باشد."
ایشان این قول را مطلق گفت و مقید به کتب شیعه نکرد!

ثانیاً این قول شما مانند آن است که یک ناصبی بگوید: یک روایت صحیح از کتب ما بر ایمان مثلاً امام سجاد بیاورید! خب ناصبی که اهل بیت را تکفیر می‌کند، و طبق استدلال شما، باید در خصوص ایمان ائمه با نواصب بحث کرده و از کتب خودشان بیاورید و اگر نیاورید، ائمه العیاذبالله مؤمن نبوده‌اند!

او می‌گوید: "در اسناد روایت سه نفر موجود هستند که مجهولن"
در کدام سند؟ از کجا فهمیدید بنده و آقای جزائری آن سند را مد نظر داریم؟!
اولاً علامه جزائری روایت را صحیح می‌داند اما فاطمه -رضی الله عنها- را تکفیر نکرده است.
ثانیاً جناب علامه محمد باقر مجلسی می‌گوید:
«الآخبار المشتملة على منازعتهم مأولة بما يرجع إلى ضرب من المصلحة، لظهور فضلها على الناس أو غير ذلك مما خفي علينا جهته».
بحار الأنوار، محمد باقر المجلسي، مؤسسة الوفاء، ج ۴۳، ص ۱۴۶
ترجمه: اخبار دعوا و منازعه فاطمه و علی -رضی الله عنهما- را ما تأویل می‌کنیم!! به آنچه که به مصلحت بازگردد، یا اینکه فضلشان (با منازعه!!) بر مردم ظاهر شود، یا چیزی که وجه اش از ما مخفی باشد!

پس ایشان اصل منازعه را ثابت می‌داند و تنها در تأویلش مانده است!
سؤال بعدی: چرا آقای مجلسی، سیده فاطمه را تکفیر نکرده است؟!

از حکم ساره -علیها السلام- پرسیدیم و ایشان هیچ پاسخی نداشتند، و باز پرسیدیم که:
سؤال: کدام عالم شیعی، کفر بودن ایداء انبیاء را از خصائص خاتم الانبیاء -علیه السلام- دانسته است؟
باز هم نتوانستند حتی یک عالم شیعه را اسم ببرند!!
پس شما باید ساره -علیها السلام- را العیاذبالله کافر بدانید!!

گفتند: "ایا روایتی دارید که بگوید عائشه بعد از اذیتش دوباره مسلم شد؟"
روایت صحیح آوردیم که بهشتی بودنشان را ثابت می‌کند، و می‌دانیم که مرتد وارد بهشت نمی‌شود، پس توبه ایشان از معلومات می‌شود!

خواستند از قرآن ثابت کنند که عائشه -رضی الله عنها- که آقای خامنئی ایشان را أم المؤمنین، و آقای طباطبائی احترام ایشان را واجب می‌داند، مسلمان و مؤمن و قانت و... نبوده‌اند! بسیار عالی...
الله متعال فرموده است:
{عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا} [التحریم: ۵]

آقای ناصر مکارم شیرازی -مرجع مشهور شیعه و مشرف شبکه ولایت- در تفسیر این آیه مبارکه می‌فرمایند:

«في آخر آية من هذه الآيات يخاطب الله تعالى جميع نساء النبي بلهجة لا تخلو من التهديد: عسى ربه إن طلقن أن يبدله أزواجا خيرا منكن مسلمات مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات ثيبات وأبكارا. لذا فهو يذرهن ألا يتصورن أن الرسول ص سوف لن يطلقهن، أو يتصورن أن النبي لا يستبدلهن بنساء أخريات أفضل منهن، وذلك ليكففن عن التآمر عليه وإلا فسيحرمن من شرف منزلة "زوجة الرسول" إلى الأبد، وستأخذ نساء أخريات أفضل منهن هذا اللقب الكريم»
تفسير الأمثل، ناصر مكارم الشيرازي، ج ۱۸، ص ۴۴۹

نکاتی از کلام ایشان ثابت شد:

۱. أم المؤمنین بودن، شرف است مگر پیامبر -صلی الله علیه وسلم- طلاق داده باشند!
 ۲. این آیه خطاب به تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- است، و من از جناب مختار تعجب میکنم که عرب هستند اما هنوز نمی‌دانند که ضمیر "کن"، جمع است نه مثنی!
- نتیجه: جناب مختار تفسیر به رأی می‌کند تا متابع هوایش باشد، پس تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را «غیر مسلمان» و «کافر» می‌داند!
- یعنی جناب مختار شخصی است که معتقد است جز خدیجه -رضی الله عنها-، تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- کافر هستند!
- سبحان الله...

در خصوص حدیث الست تزعم...، عله قاده دارد که عنعنہ ابن اسحاق است. آیا می‌توانید بیاورید که ابن اسحاق در سندی دیگر از روایت الست تزعم...، تصریح به تحدیث کرده باشد؟

خیر چون وجود ندارد...

والسلام علیکم ورحمة الله
امیدوارم به سؤالات ما بالآخره پاسخ دهد...

Almokhtar ۳۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ایشان ظاهراً دوست دارند خارج از موضوع بحث کنند و بنده هم این اجازه را به ایشان نمیدهم
تمام اقوالشان خارج بحث است میگویند ساره حضرت ابراهیم را اذیت کرد میگویم سند روایت در تفسیر قمی است که علمای شیعه گفتند این تفسیر امور زیادی به آن دخیل شده است و راوی فعلیش مجهول میباشد و روایتی که در دیگر کتب شاهد نداشته باشد به آن عمل نمیشود و اصولاً خارج موضوع بحث است

اما درباره منازعه حضرت امیر و حضرت فاطمه سلام الله علیها .. باز خارج بحث است موضوع من ایمان عائشه هست آیا مومن بود؟

میگوید روایت آوردیم بر ایمانش ؟ کو روایت ؟ قول عمار بن یاسر که بر ضد شماست مگر کسی که با الله عزوجل محاربه کند بهشتی است ؟ بعدشم صحیح بخاری مگه بر من حجت ؟ قاعده الزام یادت رفته است ؟

بزار یادت بدهم »

قال أبو محمد: لا معنى لاحتجاجنا عليهم برواياتنا فهم لا يصدقونا ولا معنى لاحتجاجهم علينا بروياتهم فنحن لا نصدقها وإنما يجب أن يحتج الخصوم بعضهم على بعض بما يصدقه الذي تقام عليه الحجة به.

الفصل في الملل، ج ٤، ص: ٧٨، اسم المؤلف: علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الطاهري أبو محمد الوفاة: ٥٤٨ ، دار النشر: مكتبة الخانجي - القاهرة

معنا ندارد که ما علیه شیعیان به روایات خودمان استدلال کنیم ؛ در حالی که آنها قبول ندارند و نیز معنا ندارد که آنها به روایات خودشان علیه ما استناد کنند ؛ در حالی که ما آن روایات را قبول نداریم . از این رو لازم است که در برابر خصم به چیزی استناد شود که او قبول دارد و برای او حجت است

قاعده الزام این است عزیز دل یاد بگیرید



ویرود ذلك ان النسخة الأصلية للكتاب المذكور ليست بأيدينا ، والطبع
المتداول بأيدينا لا نجزم بكونه بكامله تفسير التقي بل هناك بعض الفقرات التي
تسير إلى كونه خليطاً من تفسير التقي وغيره ، فقد ورد فيه في مصادر عديدة
التمايز التالية : « رُجِعَ إلى تفسير علي بن إبراهيم » أو « رُجِعَ إلى رواية علي بن
إبراهيم » أو « رُجِعَ الحديث إلى علي بن إبراهيم » أو ...
ومنه فيحصل علم إجمالي بكونه خليطاً من تفسير التقي وغيره ، بحيث
لا يمكن التمييز فيسقط جميعه عن الاعتبار .

تفسير قمی مخلوطی از تفسیر علی بن براهیم و دیگر تفاسیر است و این روایتی که بدان اشاره کردین باطل است صحت داشته باشد اجنبی از موضوع است
اما درباره روایت عنعنه محمد بن اسحاق ظاهراً ایشان از ابن حجر ابن حجرترن و از ارنووط ارنووط ترن ...
و از بقیه علماشون که گفتند سند حسن است بهتر هستند
اقا جان رجوع کنید کتاب طبقات مدلسین ابن حجر ببینید چه میگوید :
(۱۲۵) خت م مقرونا ٤ محمد بن إسحاق بن یسار المطلبي المدني صاحب المغازي صدوق مشهور
بالتدليس عن الضعفاء والمجهولين وعن شر منهم وصفه بذلك أحمد والدارقطني وغيرهما
ج ۱ ص ۵۱
ایشان میگوید فقط از ضعفا تدلیس میکند و مجهولین
یعنی اگر از ثقه نقل کند تدلیس نمیکند
و علمای اهل سنت این را بیان کردند و گفتند سند حسن است
پس کما کان عائشه کافر است ، طبق کتب اهل سنت
اما درباره تفاسیر شیعه بله عزیز احترام مشروط به تقوا است نص قران است
ولی آیا قتيله محترم است ؟ خیر
عائشه ایضا خبر
زیرا هر دو کارهای منافی ایمان کرده اند

اما از دیگر زلات عائشه :
از سری اموری که معروف و مشهور است عدم اطاعت عائشه به سخنان رسول الله میباشد قبل از
عرضه عصیان عائشه نیست به اوامر رسول الله یک مقدمه ای را بیان میکنم در قران کریم مرتباً بیان
شده است که هرکس اطاعت از رسول الله نکند و رسول الله را عصیان کند جهنمی میباشد !
در آیات متعدده آمده است :
وَمِنْ بَعْضِ اللَّهِ وَرَسُولُهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۴)
و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که
جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده ای است. (۱۴) النساء

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (۳۶)

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (۳۶) الاحزاب

إِلَّا بِلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ قَاتَ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (۲۳)
تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می ماند! (۲۳) الجن
در آیات فوق به وضوح بیان شده است که حکم کسی که عصیان رسول الله کند جهنمی میباشد و ایضا در صحیح بخاری آمده است که :

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا

۶۸۵۱ حدثنا محمد بن سنان حدثنا فليح بن فضال بن عتيق عن عطاء بن يسار عن أبي هريرة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبى قالوا يا رسول الله ومن أبى قال من أطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد أبى
صحيح البخاري ج ۶ ص ۲۶۵۵

ابوهریره میگوید : رسول الله گفتند : همه امتم وارد بهشت میشوند بجز انهایی که نمیخواهند پس گفتند ای رسول الله چه کسی نمیخواهد ؟ گفت : هرکس از من اطاعت کند وارد بهشت میشود وهرکس عصیان کند

حال دقت کنید که چگونه عائشه با رسول الله (ص) مخالفت میکند :
الالبانی در آداب الزفاف في السنة المطهرة ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳- الألبانی- الناشر: دار السلام میگوید:

۲ - قالت عائشة رضي الله عنها : دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم فرأى في يدي فتحات من ورق فقال : ما هذا يا عائشة ؟ فقلت : صنعتهن أترين لك يا رسول الله قال : أتؤدين زكاتهن ؟ قلت : لا أو ما شاء الله قال : هو حسيك من النار
أخرجه أبو داود (۱ / ۲۴۴) وغيره وإسناده على شرط الصحيح كما قال الحافظ في [التلخيص] (۶ / ۱۹) ومحمد بن عطاء الذي في إسناده هو محمد بن عمرو بن عطاء ثقة محتج به في [الصحيحين] كما في [الترغيب] وطلبه ابن الجوزي في [التحقيق] (۱ / ۱۹۸ / ۱) رجلا آخر فجعله وضعف الحديث من أجل ذلك فلا يلتفت إليه

فهذا الحديث صريح في إيجاب الزكاة على الحلي وهو حجة الذين ذهبوا إلى إيجابه ومنهم الحنفية ثم إنه قد ورد عن عائشة نفسها ما يعارض هذا الحديث وهو ما أخرجه مالك (۱ / ۲۴۵) عن القاسم ابن محمد (راوي حديث الخاتم) أن عائشة كانت تل بنات أخيها يتامى في حجرها لهن الحلي فلا تخرج من حليهن الزكاة . سنده صحيح جدا وتقدم نحوه من رواية أحمد فهذه مخالفة صريحة عن عائشة رضي الله عنها لحديثها (۱) فإذا جاز في حقها ذلك فبالأحرى أن تخالف حديث غيرها لم تروه هي وهي على كل حال ماجورة

ترجمه:

عائشه گفت: رسول خدا داخل شد و در دست من انگشترهایی بزرگ دید. پس فرمود: ای عائشه اینها چیست؟ پس گفتم: اینا رو ساخته ام تا با انها برای شما تزیین کنم ای پیامبر. فرمود: ایا زکاتشونو دادی؟ گفتم: نه یا آنچه که خدا خواست. فرمود: او تو را از آتش ننگه میدارد.

این روایت را ابوداود و دیگران آورده اند و اسنادش بر شرط صحیح بخاری است. و این روایت صراحت دارد بر وجوب زکات بر انگشترهای بزرگ و این حجت کسانیست که قائل به وجوب آن هستند از جمله حنفی ها و باز از خود عائشه روایتی نقل شده که با این روایت در تعارض است. و آن روایتیست که :عائشه دختران یتیم برادرش را در اتاقش رو پاهاش مینشانند. آنها انگشترهای بزرگ داشتند ولی عائشه زکات انگشترهایشان را نمیپرداخت و این سند روایت بسیار صحیح است و این مخالفتی صریح از عائشه نسبت به حدیثی که خود نقل کرده است میباشد ! و بهرحال او ماجور است !!!!!

حال عائشه هم رسول الله (ص) را عصیان کرده است ! وهم زکات نمیداده است ؟ چرا اهل سنت صحابه ای را که به ابوبکر زکات ندادند را مرتد میدانند و خونشان را حلال ! ولی نوبت که به عائشه برسد میگویند او ماجور است ؟

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مختار نتوانستند به مسئله ایداء ابراهیم -علیه السلام- توسط ساره -علیها السلام- پاسخ دهند، و به تفسیر قمی اشکال گرفتند!

اولاً، بسیاری از علمای شیعه تفسیر را ثابت می‌دانند! آقای حر عاملی می‌فرماید: «وقد شهد علي بن ابراهيم بثبوت احاديث تفسيره، وانها مروية عن الثقات عن الأئمة عليهم السلام.» وسائل الشيعة، الحر العاملي، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ج ۳۰، ص ۲۰۲ نتیجه: نه تنها تفسیر ثابت است، بلکه مقدمه هم ثابت است، و صد البته منبع توثیقات عامه می‌باشد!

ثانیاً، بنده از تفسیر قمی نقل نکردم، از تفسیر آقای طبرسی نقل کردم، ایشان این را نقل کرده و رد نکرده است، و این تلقی به قبول می‌شود، طبق نظریات آقای قزوینی: این قانون کلی است که اگر فردی از مخالف مطلبی را نقل کرد و این مطلب را نقد نکرد، از این تلقی به قبول می‌شود.

<http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=sokhan&id=۳۱۵>

حال باید بگوئید که چرا علامه طبرسی این حدیث را رد نکرده، و آن را دلیل کفر ساره -علیها السلام- نمی‌داند! غیر از این است که شما با نظریات علمای شیعه آشنا نیستید، بنابراین دست به تفسیر به رأی زده‌اید؟ این یعنی آنکه استدلال شما غلط است!!

او می‌گوید: "اما درباره منازعه حضرت امیر و حضرت فاطمه سلام الله علیها .. باز خارج بحث است موضوع من ایمان عائشه هست ایا مومن بود؟" شما از ایداء سخن گفتید، آیا فاطمه -رضی الله عنها- که با علی -رضی الله عنه- منازعه و دعوا داشت، از نظر شما العیاذ بالله کافر شده‌اند؟!!

و می‌گوید: " قول عمار بن یاسر که بر ضد شماست مگر کسی که با الله عزوجل محاربه کند بهشتی است ؟" اولاً، عمار بن یسار -رضی الله عنه- از بهشتی بودن ایشان خبر داده، پس ایشان، عائشه -رضی الله عنها- را محارب با خدا نمی‌داند! ثانیاً، عائشه -رضی الله عنها- با خدا محاربه نکرده است!

سپس می‌گوید: " بعدشم صحیح بخاری مگه بر من حجتی ؟ قاعده الزام پادت رفته است ؟" اولاً، ثابت شد که تحدی جناب مختار جواب داده شد که ایشان بهانه آوردند که باید از کتب شیعه باشد! ثانیاً، سؤال ایشان غلط است! زیرا نواصب نباید بگویند که ایمان ائمه را از کتب ما ثابت کنید، زیرا علمای نواصب، اهل بیت را کافر می‌دانند! و همینطور این استدلال جناب مختار شبیه استدلال یهود به نصاری است که نبوت عیسی را ثابت کنید، زیرا از نظر یهودیان، عیسی -علیه السلام- کاذب و البته مفتر است!

پس ایمان عائشه -رضی الله عنها- و بهشتی بودنش طبق ادله صحیح و صریح نزد اهل سنت ثابت شده است و فرضاً اگر دلیلی بر خلاف بهشتی بودن ایشان هم وجود داشته باشد، شاذ یا منکر است، زیرا تاب مقاومت در مقابل این احادیث صحیح را ندارد، مگر اینکه وجه صحیح مفهومش یافت شود که آن نزد علماست که با قواعدی که شیعه آنها را نمی‌داند، به رفع تعارضات می‌پردازند، اگرچه نیازی به همین هم بحمدالله وجود ندارد، والله المستعان.

در خصوص ابن اسحاق، بنده قول ابن حجر -رحمه الله- را آوردم که ایشان هم قول به مدلس بودن ابن اسحاق را از علمای متقدم نقل کرده است، و گفته که تا تصریح به تحدیث نکند، حدیثش ضعیف است! اما شما به ابن حجر -رحمه الله- دروغ بستید که: " ایشان می‌گوید فقط از ضعفاً تدلیس میکند و مجهولین" شما یا عربی نمی‌دانید، یا قصد فریب دارید؛ ابن حجر گفته « مشهور بالتدلیس عن الضعفاء والمجهولین»، یعنی: ابن اسحاق مشهور به تدلیس از ضعفاء و مجهولین است، این یعنی ساقط کردن راوی ضعیف و کسی نگفته اگر از ثقه نقل کرد، حدیثش صحیح است! زیرا اصلاً تدلیس یعنی مخفی کردن عیب سند و متن!!

نکته بعدی اینکه شیخ البانی -رحمه الله- نیز علیه قاده که بنده ذکر کردم را کشف کرده و در سلسله ضعیفه فرموده است: «قلت: وهذا سند ضعيف؛ وفيه علتان...»

سلسلة الضعيفة، محمد ناصرالدين الألباني، دار المعرفة، ج ٦، ص ٥٥٥
ترجمه: این سند ضعیف است و در آن دو عله (یعنی مشکل و نقص) وجود دارد...

او می‌گوید: "حال عائشه هم رسول الله (ص) را عصیان کرده است ! وهم زکات نمیداده است ؟ چرا اهل سنت صحابه ای را که به ابوبکر زکات ندادند را مرتد میدانند و خونشان را حلال ! ولی نوبت که به عائشه برسد میگویند او ماجور است ؟"
اولاً، می‌گوییم که اثبات العرش ثم انقش!
ثانیاً، بر فرض محال صحت تمام استدلال ایشان، کسی که زکات ندهد کافر می‌شود؟! خیر!
ثالثاً، ما تمام کسانی که به ابی بکر صدیق -رضی الله عنه- زکات ندادند را کافر نمی‌دانیم و این سببش ناآگاهی جناب استاد از فقه اهل سنت و جماعت -رفع الله قدرهم- می‌باشد. از ارکان اسلام بعد از شهادتین، تنها تارک الصلاة تکفیر شده‌اند که آن هم خلاف قول جمهور علماست!

جناب مختار می‌گوید: او دل خوشی از علی نداشت!
اولاً، نمی‌پذیریم که دلیل عدم ذکر اسمش، خوش نیامدنش از علی -رضی الله عنه- باشد!
ثانیاً، در حدیث صحیح از خود عائشه -رضی الله عنها- آمده است:
«حدثنا إسحاق بن إبراهيم الحنظلي، أخبرنا عبد الرزاق، أخبرنا الثوري، عن عمرو بن قيس الملائي، عن الحكم بن عتيبة، عن القاسم بن مخيمرة، عن شريح بن هانئ، قال: أتيت عائشة أسألها عن المسح على الخفين، فقالت: عليك بابن أبي طالب، فسله فإنه كان يسافر مع رسول الله صلى الله عليه وسلم.»
صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النيسابوري، دار إحياء التراث العربي، ج ١، ص ٢٣٢
می‌بینیم فرموده که نزد علی ابن ابی طالب -رضی الله عنه- برو و از او بپرس، چرا که علی -رضی الله عنه- با رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- مسافرت‌ها می‌کردند!
نتیجه: ایشان از بردن اسم علی -رضی الله عنه- نه تنها کراهت نداشتند، بلکه فضل و علم ایشان را منکر نبودند!

پس عزیزان حاضر در گروه و گروه‌های دیگر شاهد هستند که بنده تک تک سؤالات ایشان را پاسخ دادم، اما ایشان پاسخی ندارند!
سؤال: چرا آقای مختار ۳۱۳ تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را تکفیر کردند؟ آیا این محبت شیعه به اهل بیت نبی -صلی الله علیه وسلم- است؟
سؤال: کدام عالم شیعه کفر بودن ایداء انبیاء را، از خصائص محمد -صلی الله علیه وسلم- ذکر کرده است؟
سؤال: حکم ساره -علیها السلام- نزد علمای شیعه چیست که ابراهیم -علیه السلام- را اذیت می‌کرده است؟ و اگر این کفر نیست، چرا شیعیان در استدلالات خود متناقض عمل می‌کنند و با علمایشان هم مخالفت؟
سؤال: آقای خامنه‌ی، عائشه -رضی الله عنها- را پس از ۱۴ قرن، أم المؤمنین یعنی مادر ایمان داران می‌دانند، و آقای محمد حسین طباطبائی هم احترام أمهات المؤمنین را واجب، چرا آقای مختار و علمای افراطی شیعه در مقابل این دو رأی خاضع نیستند؟
سؤال: آیا اهل سنت، قتيله را از أمهات المؤمنین می‌دانند؟
سؤال: احدی از علمای طول تاریخ شیعه، خود را از دسته سوم می‌داند؟
اینها سؤالاتیست که جناب مختار پاسخی ندادند و باید بدهند، والسلام علیکم ورحمة الله

Almokhtar ۳۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اولا درباره تفسیر قمی شکی نیست علی بن ابراهیم تفسیری نوشته است ولی آیا این تفسیر همان تفسیری است که علی بن ابراهیم نوشته است ؟ میگوییم خیر
روای این کتاب فردی مجهول است

اما درباره ایداء حضرت امیر و همسرشان علیهم السلام خارج موضوع است متأسفانه و روایتش ۴ مجهول داشت
روایت عمار بن یاسر میگوید عائشه با الله عزوجل محاربت میکند چطور محارب بهشتی است ؟
ثانیا بخاری بر من حجت نیست عزیز دل

اما درباره اینکه میگویند (سؤال ایشان غلط است! زیرا نواصب نباید بگویند که ایمان ائمه را از کتب ما ثابت کنید، زیرا علمای نواصب، اهل بیت را کافر می‌دانند! و همینطور این استدلال جناب مختار شبیه استدلال یهود به نصاری است که نبوت عیسی را ثابت کنید، زیرا از نظر یهودیان، عیسی -علیه السلام- کاذب و البته مقرر است!)

عزیز دل ما عائشه را غیر مومن میدانیم وادله اش را از کتب شما بیان نموندیم نور الهی هرگز خاموش نخواهد شد
بنده بخاری را ناصبی میدانم ولی روایاتی را نقل میکند که دال بر افضلیت اهل بیت است !

سپس میگویند ایمان عایشه ثابت شد!

خواب دیدن خیر باشد

اما درباره عدم اعطای زکات گفتیم واز قران وسنت ثابت کردیم مخالفت با امر رسول الله (ص) کفر است
سپس میگوید منکر زکات کفر نیست ! پس ابوبکر برای چی با آنان قتال کرد ؟ این از واضحات است جناب

اما میگویند لاتطیب له نفسا

جناب مختار می‌گوید: او دل خوشی از علی نداشت!

اولاً، نمی‌پذیریم که دلیل عدم ذکر اسمش، خوش نیامدنش از علی -رضی الله عنه- باشد!

خود ابن عباس میگوید از امام علی دل خوشی ندارد پس حرف کی هست ؟ روایت صریح است
۲۵۹۵۶ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عبد الرزاق عن معمر قال قال الزهري وأخبرني عبيد الله بن عبد الله بن عتبة أن عائشة أخبرته قالت أول ما اشتكى رسول الله صلى الله عليه وسلم في بيت ميمونة فاستأذن أزواجه أن يمرض في بيتها فاذن له قالت فخرج ويدله على الفضل بن عباس ويدله على رجل آخر وهو يخط برجليه في الأرض قال عبيد الله فحدثت به بن عباس فقال أتدرون من الرجل الآخر الذي لم تسم عائشة هو علي ولكن عائشة لا تطيب له نفساً

مسند أحمد بن حنبل ج ۶ ص ۲۲۸

عائشه گفت: هنگامی که بیماری رسول خدا صلی الله علیه وآله شدید شد در خانه میمونه بودند سپس از همسرانش اجازه گرفت که دوران نقاهت را در خانه من بگذرانند، و آن ها اجازه دادند. پس آن حضرت در حالی خارج شد که دو مرد زیر بغل‌های او را گرفته بودند و پاهای حضرت از شدت بیماری بر زمین کشیده می‌شد. عباس و يك مرد دیگر زیر بغل او را گرفته بودند. عبيد الله می‌گوید که این قصه و سخن عائشه را با عبد الله بن عباس در میان گذاشتم؛ پس گفت: آیا می‌دانی آن مردی که عائشه اسم او را نیاورده چه کسی بود؟ گفتم: خیر. گفت: او علی بن ابی طالب بود. ولي عايشه نبست به ان دل خوشي ندارد

ابن عباس شهادت میدهد که عائشه بغض امام را دارد

ما هرچه نقل میکنیم شما بدون جواب می‌زاین !

چرا حکم مودی پیامبر نزد شما کافر است ولی روی عائشه تطبیق داده نمیشود ؟ چرا عایشه دل خوش از امام علی ندارد ؟

اما میگوید باید احترام گذاشت عزیز جان در بحث احترام، ما حتی به حیوانات هم باید احترام بزاریم. آیا این دلیل مومن بودن حیوانات هست؟ ما در برخورد هامون با همه مردم دنیا به اونها احترام می‌زاریم، یعنی همه اونها مومن هستن ؟

اما درباره روایت شک عائشه به نبوت وشک در عدالت رسول الله (ص) تحسین خیلی از علمای اهل سنت را نقل کردیم .. جواب تدلیس ابن اسحاق را دادیم باز به حرفای اولش رجوع میکند !

اما درباره روایت صحیح مسلم که درباره مسح است ! ومردم را به امام علی ارجاع میدهد ... این دلیل نمیشود که عائشه طاقت شنیدن اسم امام را دارد .. بلکه از روی اجبار است ..

چرا وقتی حکم به رضاع کبیر داده است مردم را به امام علی ارجاع نکرد ؟
فتوای عایشه در پستان دادن به مردان نامحرم (والعیاذ بالله)

رضاع کبیر یکی از بدعت های عایشه میباشد که آن را به دروغ به پیامبر اکرم صلی الله علیه و واله و شرع اسلام نسبت داده است. بر طبق این فتوا زن اگر پنج بار به یک مرد کبیر و بالغ و نامحرم شیر دهد آن مرد بر او مجرم میشود

فَإِذَا كَانَ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا تَأْمُرُ بَنَاتِ أَخَوَاتِهَا وَبَنَاتِ إِخْوَتِهَا أَنْ يُرْضِعْنَ مَنْ أَحَبَّتْ عَائِشَةُ أَنْ يَرَاهَا وَيَدْخُلَ عَلَيْهَا، وَإِنْ كَانَ كَبِيرًا خَمْسَ رَضَعَاتٍ، ثُمَّ يَدْخُلَ عَلَيْهَا...

سنن أبي داود - ج ۲ ص ۲۲۳ المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: ۲۷۵هـ)، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، عدد الأجزاء: ۴

ترجمه: عایشه به دختران خواهر و دختران برادرش دستور می داد به کسانی که عایشه دوست داشت، آن مردان وی را ببیند و بر او وارد شوند؛ پنج بار شیر بدهند؛ اگر چه آن مردان بزرگسال بودند

نکته شرم آور و ننگین این فتوا اینجاست که در عمل رضاعه، سینه زن باید در دهان شخص قرار بگیرد تا عمل رضاعه تحقق یابد. یعنی طبق فتوای عایشه باید خواهران عایشه مثلا ام کلثوم دختر ابوبکر یا دختران برادرانش بایستی سینه خود را در دهان مردانی قرار میدادند که عایشه دوست داشت آن ها را ببیند!!

ابن حزم از علمای مشهور اهل سنت در تعریف رضاع میگوید:
وَأَمَّا صِفَةُ الرِّضَاعِ الْمَحْرَمِ، فَإِنَّمَا هُوَ: مَا أَمْتَصَهُ الرَّاضِعُ مِنْ ثَدْيِ الْمُرْضِعَةِ يَفِيهِ فَقَطُّ
المحلى بالآثار ج ۱۰ ص ۱۸۵

ترجمه: صفت رضاعی که باعث محرمیت میشود، تنها این است که شیرخورنده پستان شیردهنده را بمکد

و در ادامه میگوید:
وَلَا يَسْمَى رِضَاعَةً، وَلَا إِرْضَاعًا إِلَّا أَخْذُ الْمُرْضِعِ، أَوْ الرِّضِيعِ يَفِيهِ الثَّدْيِ وَأَمْتِصَاصُهُ إِيَّاهُ
ترجمه: رضاع تنها در صورتی است که شیر خورنده، پستان را در دهانش بگیرد و آن را بمکد

لذا معنای رضاع کاملاً مشخص است.

ایا بی حیای و بی شرمی بالاتر از این وجود دارد که یک زن سینه خود را در دهان یک مرد بالغ و نامحرم قرار دهد؟! اگر این فحشا و زنا نیست پس چیست؟! عملی که حتی زنان عفیف کفار نیز تن به آن نمی دهند چرا در تاویلش به امام علی رجوع نکرد ؟

اما از دیگر مفاضع عایشه کذبش بر رسول الله است ! بر اساس علم رجال و اقوال علمای اهل سنت، کسیکه به رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم دروغ ببندد دیگر حدیث و سخن او مورد اعتماد قرار نمیگیرد ولو اینکه آن شخص از دروغش توبه کرده باشد

نووی از علمای مشهور اهل سنت در شرح خود بر صحیح مسلم اینگونه نقل میکند:

﴿ثُمَّ إِنَّ مَنْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمْدًا فِي حَدِيثٍ وَاحِدٍ فَسَقَ﴾ وَرِدَتْ رَوَايَاتُهُ كُلُّهَا وَبَطَلَ الْإِحْتِجَاجُ بِجَمِيعِهَا ﴿فَلَوْ تَابَ وَحَسَنَتْ تَوْبَتُهُ فَقَدْ قَالَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ مِنْهُمْ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ وَأَبُو بَكْرِ الْحَمِيدِيُّ شَيْخُ الْبَخَارِيِّ وَصَاحِبُ الشَّافِعِيِّ وَأَبُو بَكْرِ الصِّرَافِيُّ مِنْ فَقَهَاءِ أَصْحَابِنَا الشَّافِعِيِّينَ وَأَصْحَابِ الْوُجُوهِ مِنْهُمْ وَمَتَقَدِّمِهِمْ فِي الْأَصُولِ وَالْفُرُوعِ لَا تَوَثُرُ تَوْبَتُهُ فِي ذَلِكَ وَلَا تَقْبَلُ رَوَايَتُهُ أَبَدًا بَلْ يَحْتَمُ جَرَحُهُ دَائِمًا﴾

شرح النووي على مسلم ج ۱ ص ۶۹

ترجمه: هرکس که بر رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم در یک حدیثی دروغ ببندد، ﴿فاسق شده و همه روایاتش باطل میشود و احتجاج به همه آنها باطل می گردد،﴾ هرچند که به نیکویی توبه نماید. و عده ای از علما از جمله امام احمد بن حنبل، ابوبکر حمیدی (استاد بخاری و همنشین شافعی) و ابوبکر صیرفی از فقهاء شافعی و از اصحاب بزرگ و متقدمین آنان در اصول و فروع گفته اند که توبه چنین شخصی موثر نیست ﴿و روایت او ابدًا قبول نمی شود بلکه جرح او همیشه واجب میگردد.﴾

همچنین ابن صلاح کردی از علمای مشهور اهل سنت در علم رجال میگوید:

▲التَّائِبُ مِنَ الْكَذِبِ فِي حَدِيثِ النَّاسِ وَغَيْرِهِ مِنْ أَسْبَابِ الْفَسَقِ تَقْبَلُ رَوَايَتُهُ، إِلَّا التَّائِبُ مِنَ الْكَذِبِ مُتَعَمِّدًا فِي حَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ﴿فَإِنَّهُ لَا تَقْبَلُ رَوَايَتُهُ أَبَدًا﴾ وَإِنْ حَسَنَتْ تَوْبَتُهُ، عَلَى مَا ذَكَرَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ، مِنْهُمْ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ وَأَبُو بَكْرِ الْحَمِيدِيُّ شَيْخُ الْبَخَارِيِّ.

ترجمه: توبه شخصی که در حدیثی از مردم دروغ بگوید و یا دچار دیگر اسباب فسق گردد، مورد قبول واقع میشود، اما توبه کسیکه از روی عمد در حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم دروغ بگوید، روایتش هرگز قبول نمی شود. هرچند که به نیکویی توبه کرده باشد. و عده ای از اهل علم مانند امام احمد بن حنبل، ابوبکر حمیدی (استاد بخاری) این چنین گفته اند.

علاوه بر اینها علامه محمود طحان در کتاب خود میگوید:

◀ ولا تقبل رواية التائب من الكذب في حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم؛ وذلك زجرا له ولغيره
تیسیر مصطلح الحديث ص ۱۸۵

▲ ترجمه: روایت کسیکه از دروغ در حدیث پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم توبه کرده باشد مورد قبول واقع نمی شود. و این به خاطر سرزنش و طرد او و دیگران است

و بسیاری از اقوال علمای اهل سنت که برای جلوگیری از اطناب در کلام، از ذکر آنان صرف نظر میشود. همه این اقوال بر این مطلب صراحت دارد که کسیکه به رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم یک بار نیز دروغ ببندد، همه احادیث او باطل شده و به آنان اعتماد نمی شود، ولو اینکه از این دروغ و کذبش بر رسول خاتم صلوات الله علیه وآله توبه کرده باشد

● بعد از ذکر این مقدمه به بررسی واقعه ای میپردازیم که در صحیح ترین کتب اهل سنت بدان اشاره شده است. و آن قضیه مغفیر است. که در آن عایشه و حفصه با همدستی یکدیگر تصمیم گرفتند که برای اجرا کردن نیت خود به رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دروغ ببندند.
﴿حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُوسَى، أَخْبَرَنَا هِشَامُ بْنُ يُسُفَ، عَنْ ابْنِ جُرَيْجٍ، عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ عَبْدِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَشْرَبُ عَسَلًا عِنْدَ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ، وَيَمْكُثُ عِنْدَهَا، فَوَاطَيْتُ أَبَا وَحْفَةَ عَلِيٍّ، أَيُّنَا دَخَلَ عَلَيْهَا فَلْتَقِلْ لَهُ: أَكَلْتُ مَغْفِيرًا، إِنِّي إِجِدُ مِنْكَ رِيحَ مَغْفِيرٍ، قَالَ: «لَا، وَلَكِنِّي كُنْتُ أَشْرَبُ عَسَلًا عِنْدَ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ، فَلَنْ أَعُودَ لَهُ، وَقَدْ حَلَفْتُ، لَا تَخِيرِي بِذَلِكَ أَحَدًا»

صحیح البخاری ص ۱۲۴۴ ح ۴۹۱۳

ترجمه: عبید بن عمیر میگوید: از عائشه شنیدم که گفت: رسول خدا (ص) پیش زینب بنت جحش می ماند و (شریت) عسل می نوشید، من و حفصه بایکدیگر قرار گذاشتیم که رسول خدا پیش هر کدام از ما که آمد به او بگوئیم: از تو بوی مغفیر به مشام ما می رسد؟ آیا مغفیر خورده ای؟ رسول خدا پیش یکی از آنها آمد و او همین را گفت. رسول خدا فرمود: نه بلکه در خانه زینب بنت جحش عسل خورده ام؛ ولی دیگر تکرار نمی کنم پس کسی را از این موضوع باخبر نکن!

◀ همانگونه که از این حدیث ثابت میشود، عایشه و حفصه تصمیم میگیرند که به پیامبر بگویند که از دهان مبارکشان بوی مغفیر (گیاهی بد بو) می آید درحالیکه خود آن دو به خوبی میدانند که این مسئله دروغ است و پیامبر عسل نوشیده اند و نه مغفیر! و در ادامه نیز این تصمیم خود را عملی میکنند و به پیامبر عامدانه دروغ می بندند

△ جزای دروغ بستن بر پیامبر را خود پیامبر مشخص نموده اند:
﴿حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيمٍ، حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ رَبِيعَةَ، عَنْ الْمُغِيرَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنْ كَذَبًا عَلَيَّ لَيْسَ كَذِبٌ عَلَيَّ أَحَدٍ، مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا، فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»

صحیح البخاری ج ۲ ص ۸۰

● ترجمه: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: دروغ بستن بر من مانند دروغ بستن بر دیگران نیست! هرکس که بر من از روی عمد دروغ ببندد پس بداند که جایگاهش آتش است

و همانطوری که در ابتدا از کلام علمای اهل سنت ثابت کردیم کسیکه بر پیامبر دروغ ببندد احادیث و روایاتش مورد قبول واقع نمی شود و به هیچ کدام از آنان نمی شود احتجاج نمود.

❑ با این وصف، طبق قواعد رجالی اهل سنت هرگز نمی توان به احادیث عائشه و حفصه اعتماد نمود. البته ذکر این نکته ضروری است که بر اساس علم منطق و اصول میشود به سخن و حدیث چنین شخصی علیه خودش احتجاج کرد همانگونه که در دادگاه قضاوت از اعتراف و سخن شخص مجرم علیه خود استفاده می شود چرا به رسول الله > کذب میکنند؟

شما میگویند تمام سوالات المختار را جواب دادید عزیز دل هیچی را بیان نکردید...
قرآن کریم میگوید مودی رسول الله کافر جهنمی است ... قرآن کریم و سنت گفته ند عائشه مودی رسول الله است چرا نباید کافر باشد ؟
چرا مانع زکات نباید کافر باشد ؟
چرا کسی که بغض امام علی را داشته باشد نباید کافر باشد ؟
چرا باید کسی که فتوای بی شرمی بدهد نباید کافر باشد ؟
چرا کسی که بر رسول الله کذب ببندد نباید کافر باشد ؟
بر چه معیاری ایشان مومن و بهشتی است ؟
روایت بخاری از صحابی است وثابت میکند عائشه محارب با الله است
ومحارب بالله عزوجل کافر و جهنمی است
تمام

خاقانی شروانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مختار میگوید: "اولا درباره تفسیر قمی شکی نیست علی بن ابراهیم تفسیری نوشته است ولی آیا این تفسیر همان تفسیری است که علی بن ابراهیم نوشته است ؟ میگوییم خیر"

اولاً، جناب حر عاملی مگر از متقدمین است که بگوئیم نسخه اصلی کتاب دست ایشان بوده، اما بعدها از بین رفته است؟! آقای حر عاملی (صاحب موسوعه حدیثی وسائل الشیعة) از علمای متأخر شیعه است و همان تفسیر قمی را تأیید کرده که اکنون در کتابخانههای شیعه موجود است! و بلکه نه تنها در ثبوت کتاب اشکال نمی کند، بلکه این کتاب را مرجع توثیقات عامه قرار داده است، یعنی فراتر از توثیق نسبت کتاب به مصنف!

ثانیاً، اینکه کتابی معتبر و ثبوتش ثابت باشد، تنها به سند کتاب نیست و علمای بزرگوار شیعه این مسئله را تأیید کرده اند که بنده ذکر کردم.

ثالثاً، جناب علامه سید خوئی (ایشان که دیگر از معاصرین است و متقدم نیست!!) هم صدور کتاب و بلکه وثاقت روات کتاب را تأیید می کند:

«ولذا نحکم بوثاقه جمیع مشایخ علی بن ابراهیم الذین روی عنهم فی تفسیره مع انتهاء السند إلى أحد المعصومین علیهم السلام.»

معجم رجال الحديث، أبو القاسم الخوئي، مؤسسة الخوئي الإسلامية، ج ۱، ص ۴۹
ترجمه: برای همین به وثاقت تمامی مشایخ علی بن ابراهیم قمی که در تفسیرش از آنان نقل کرده، تا آخر و انتهای سند حکم می کنیم!!

او میگوید: "اما درباره ایذاء حضرت امیر و همسرشان علیهم السلام خارج موضوع است متأسفانه و روایتش ۴ مجهول داشت"

اصلاً کدام سندش ۴ مجهول داشت؟ بنده کدام سندش را ذکر کردم؟!
بنده گفتم که علامه جزائری شیعی این حدیث را «تصحیح» کرده است و صحیح می داند.
آیا این بدان معنا نیست که شما با علمای شیعه اختلاف نظر دارید، و فهمی از نصوص حدیثی خود دارید که علمای شیعه بلکه علمای خوارج هم نداشته اند؟!

پس شما دو راه دارید:

- ۱- ساره و فاطمه -علیهما السلام- را تکفیر کرده و ایشان را جهنمی بدانید.
- ۲- از استدلال اشتباه و تفسیر به رای خودتان که حتی مخالف با فهم علمای امامیه از نصوص است، عقب بکشید.

و گفت: "روایت عمار بن یاسر میگوید عائشه با الله عزوجل محاربت میکند چطور محارب بهشتی است ؟ ثانیاً بخاری بر من حجت نیست عزیز دل"

اولاً، این حدیث: «حدثنا محمد بن بشار، حدثنا غندر، حدثنا شعبة، عن الحكم، سمعت أبا وائل، قال: لما بعث علي، عماراً، والحسن إلى الكوفة ليستنفرهم خطب عمار فقال: إني لأعلم أنها زوجته في الدنيا والآخرة، ولكن الله ابتلاكم لتتبعوه أو إياها.»

صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، دار طوق النجاة، ج ۵، ص ۲۹
کجایش فرموده با خدا محاربه کرده است!!!!

ثانیاً، گفتیم که بخاری بر ما حجت است و این پاسخ تحدی شما بود، و مسئله الزام را هم توضیح دادم که نیازی نیست از کتب شیعه سند بیاورم، به دلیل ادله‌ای که ذکر کردم. آیا اگر یک مسیحی نتواند نبوت عیسی -علیه السلام- را از متون دینی کسانی که عیسی -علیه السلام- را کاذب و مفتر می‌دانند ثابت کند، دلیل کذب نبوت ایشان است العیاذبالله؟ خیر!

پس با این حال العیاذبالله ائمه هم مؤمن نیستند، چون شیعه نمی‌تواند ایمان ائمه را از کتب نواصب ثابت کند، والله المستعان.

سپس می‌گوید: "اما درباره عدم اعطای زکات گفتیم واز قران وسنت ثابت کردیم مخالفت با امر رسول الله (ص) کفر است سپس میگوید منکر زکات کفر نیست! پس ابوبکر برای چی با انان قتال کرد ؟ این از واضحات است جناب"

اولاً، جناب مختار ۳۱۳ طعم فقه را نجشیده است، بنابراین نمی‌داند که قتال با جماعتی تنها منحصر به کفر نیست، بلکه می‌توان شخصی را کشت، بدون اینکه او را کافر دانست. چنانچه نزد امام شافعی -رحمه الله- تارک الصلاة کشته می‌شود، اگرچه کافر نمی‌شود!!

ثانیاً، کجا عائشه -رضی الله عنها- منکر زکات بوده است؟ شما باید ثابت کنید که ایشان:

۱. حدیث اولی را شنیده است.
 ۲. فهم مذکور را از حدیث داشته است.
 ۳. حدیث را پس از این دو مورد رد کرده است.
- وگرنه در این حالت احدی حکم به کفر نمی‌دهد، زیرا شرایطش مهیا نیست که در پست اول توضیح دادم.

البته این از جناب مختار بعید نیست، او که دقایقی پیش تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را با استدلال باطلش کافر دانست و نشان داد که شیعه برای اهل بیت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- هیچ ارزشی قائل نیست!

یعنی ما با دین شیعه سرو کار داریم، دینی که تنها به عائشه -رضی الله عنها- خیر، بلکه تک تک همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را کافر و جهنمی می‌داند!

و می‌گوید: "خود ابن عباس میگوید از امام علی دل خوشی ندارد پس حرف کی هست ؟ روایت صریح است"

پاسخ: ابن عباس -رضی الله عنهما- نظر خود را گفته، اما ابن عباس -رضی الله عنهما- از این مسئله، حکم به کفر نداده است! پس در هر حالت به ضرر شما مسئله تمام می‌شود!

نکته بعدی اینکه احترام به همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و بزرگداشت ایشان امر تشریعی بر آن حاکم است، و البته شخص مرتد حرمتی ندارد، چه در مال و خون، چه در عرض و متأسفانه غالب اشکالات شما ناشی از این است که درس نخوانده هستید و علوم اسلامی را بلد نیستید.

در صحیح بخاری:

حدثنا معلى بن أسد، حدثنا عبد العزيز بن المختار، قال: خالد الحذاء، حدثنا عن أبي عثمان، قال: حدثني عمرو بن العاص رضي الله عنه، أن النبي صلى الله عليه وسلم، بعثه على جيش ذات السلاسل، فأتيته فقلت: "أي الناس أحب إليك؟ قال: «عائشة»، فقلت: من الرجال؟ فقال: «أبوها»، قلت: ثم من؟ قال: «ثم عمر بن الخطاب»

صحیح البخاری، دار طوق النجاة، ج ۵، ص ۵

طبق این حدیث صحیح عائشه -رضی الله عنها- محبوبترین اشخاص به نبی اکرم -صلی الله علیه وسلم- هستند، و مسلماً پیامبر -صلی الله علیه وسلم- شخص کافر را دوست نمی‌دارد، مگر شیعیان پیامبر را متهم به نداشتن ولاء و براء کنند که بحثش جداست...

تدلیس ابن اسحاق را ثابت کردم، آوردم که باید بیاورید که تصریح کرده باشد، تضعیف شیخ البانی -رحمه الله- را هم نقل کردم! همچنین تدلیس شما را هم در ترجمه کلام حافظ ابن حجر -رحمه الله- به عزیزان گروه نشان دادم، والحمدلله. این حدیث اصلاً ربطی به کذب بستن به پیامبر -صلی الله علیه وسلم- ندارد، و از ایشان وجه استدلال طلب می‌شود!

سؤال: چرا آقای مختار ۳۱۳ تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را تکفیر کردند؟ آیا این محبت شیعه به اهل بیت نبی -صلی الله علیه وسلم- است؟

سؤال: کدام عالم شیعه کفر بودن ایذاء انبیاء را، از خصائص محمد -صلی الله علیه وسلم- ذکر کرده است؟

سؤال: حکم ساره -علیها السلام- نزد علمای شیعه چیست که ابراهیم -علیه السلام- را اذیت می‌کرده است؟ و اگر این کفر نیست، چرا شیعیان در استدلالات خود متناقض عمل می‌کنند و با علمایشان هم مخالفت؟

سؤال: آقای خامنه‌ی، عائشه -رضی الله عنها- را پس از ۱۴ قرن، أم المؤمنین یعنی مادر ایمان داران می‌دانند، و آقای محمد حسین طباطبائی هم احترام أمهات المؤمنین را واجب، چرا آقای مختار و علمای افراطی شیعه در مقابل این دو رأی خاضع نیستند؟

سؤال: آیا اهل سنت، قتيله را از أمهات المؤمنین می‌دانند؟!

سؤال: احدی از علمای طول تاریخ شیعه، خود را از دسته سوم می‌داند؟

و این هم سؤالاتی که جناب استاد مختار ۳۱۳ نتوانسته پاسخ دهد، والحمدلله رب العالمین. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

Almokhtar ۳۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ظاهراً با ایشان باید بجای موضوع ایمان عائشه .. موضوع رفتار امام علی با حضرت زهرا سلام الله علیها قرار داد
موضوع ایمان عائشه است
شما می‌گویید جزائری تصحیح کرد و منو ملزم به تصحیح جزائری می‌کنید پس چرا خودتان را ملزم به تصحیح
علمات نمی‌کنی؟
اما می‌گوید تارک الصلاه کافر نمیشود این دیگر از عجائب است! بنده درباره این موضوع حرفی نمی‌زنم
خارج بحث است
درباره اعطای زکات گفتیم عائشه با رسول الله (ص) مخالفت کرده است و تکرار نمی‌کنم چون واضح است
و مجدد مطالعه کنید
شما می‌گویید حرف ابن عباس حجت نیست چرا حرف عمار حجت است؟
شما به این راحتی قول صحابی رو رد می‌کنید که طبق مبانی سلفیت، اقوال صحابه بر قول همه مقدم
هست.
بعد می‌آید حرف آیت الله خویی رو می‌آورد و انتظار دارید که ما قبول کنیم و رد نکنیم کلام اون‌ها رو؟

این روایت را تعداد زیادی از علمای اهل سنت و از جمله ابن کثیر والالبانی صحیح میدانند که ابوهیرة گفته است : هنگامی که رسول الله همراه همسران خود حج کردند گفت این حج است و دیگر در خانه های خود ماندگار شوید

سوال آیا عائشه در خانه خود ماندگار شد یا به جنگ امام علی علیه السلام رفت ؟
وایضا شرط دوم ایه که عدم تبرج است را نقض کرده است وایضا عدم رفتن به حج ! در کتب اهل سنت نقل شده است که عائشه با لباسی نارنجی به احرام رفته است !
در عبارات فوق، اثبات کردیم که الله ورسولش خروج از بیت را برای ازواج پیامبر منع کرده است وحتی حق رفتن به حج را ندارند ! وحتی نقل شده است که عمر بن الخطاب نمیگذاشت زنان پیامبر به حج بروند! ولی عائشه وبعد از مردن عمر بن الخطاب به حج رفته است وانهم با لباسی که مخصوص تبرج است کمی تامل کنیم و فکر کنیم الان همگی ما به خانه الله عزوجل مشرف شدیم و همگی در حال طواف هستیم و همگی لباس سفید پوشیده ایم بجز یک خانم که لباس صورتی در میان جمعیت پوشیده است چه حسی به شما دست پیدا میکند !
ولی متاسفانه عائشه الله ورسولش را عصیان کرده است و بالتبرج به حج رفته است !

أما أثر عائشة فقَالَ ابْنُ سَعْدٍ فِي الطَّبَقَاتِ ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمٍ بْنُ مُعْتَبِرٍ ثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي عَمْرٍو سَأَلْتُ الْقَاسِمَ بْنَ مُحَمَّدٍ قُلْتُ إِنَّ نَاسًا يَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْأَحْمَرِينَ الْمَعْصَرِ وَالذَّهَبِ فَقَالَ كَذَبُوا وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُ عَائِشَةَ تَلْبَسُ الْمَعْصَرَ وَتَلْبَسُ خَوَاتِيمَ الذَّهَبِ

ترجمه : اما اثر عائشه پس ابن سعد در طبقات گفته است : عمرو بن ابی عمر گفته است که از القاسم بن محمد سوال کردم که بعضی مردم میگویند که رسول الله از پوشیدن دو قرمز نهی کرده است لباس معصر (نارنجی) و طلا نهی کرده است پس گفت دروغ گفتند بخدا سوگند که عائشه را دیدم که لباس معصر (نارنجی) و انگشترانی از طلا پوشیده بود !
تعلیق التعلیق علی صحیح البخاری ، ابن حجر العسقلانی ، ج ٥ ، ص ٧١

وایضا این روایت :
أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ يَلَالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي عَمْرٍو، قَالَ سَمِعْتُ الْقَاسِمَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَحْدُثُ أَنَّ عَائِشَةَ كَانَتْ تَلْبَسُ الْأَحْمَرَ وَالْمَعْصَرَ وَهِيَ مُحْرَمَةٌ
عمرو بن ابی عمرو میگوید : شنیدم که القاسم بن محمد میگفت که عائشه الاحمرین طلا و لباس معصر را در حال احرام میپوشید !

وایضا در همین صفحه باز یا سند صحیح نقل میکند :
أَخْبَرَنَا عَارِمُ بْنُ الْفَضْلِ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْقَاسِمِ، أَنَّ الْقَاسِمَ قَالَ: «كَانَتْ عَائِشَةُ تُحْرِمُ فِي الدَّرْعِ الْمَعْصَرِ»

قاسم بن محمد میگفت : عائشه در حال احرام لباس معصر (نارنجی) میپوشید!
الطبقات الكبرى ، ابن سعد البصری ، ج ٨ ، ص ٧٠

خب همگی ما میدانیم پوشیدن و اظهار طلا برای نامحرم تبرج است وایضا لباس نارنجی که وایلا میباشد وناقل این روایت پسر برادر عائشه یعنی محمد بن ابی بکر میباشد که از تابعین هست و صحابی نمیباشد یعنی قضیه بعد از رسول الله رخ داده است !
این درحالی است که پیامبر گفته است وبل (درجه ای از جهنم) برای زنی که همچین لباسی بپوشد !

أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ سَفِيَّانٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَرِيحُ بْنُ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا عِبَادُ بْنُ عِبَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَيْلٌ لِلنِّسَاءِ مِنَ الْأَحْمَرِينَ وَالْمَعْصَرِ

ابن حبان في صحيحه ج ١٣/ص ٣٠٨ ح ٥٩٦٨
البانی این روایتو صحیح میدونه شعب الارنووط حسن میدونه

٥٩٦٨ - أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ سَفِيَّانٍ قَالَ : حَدَّثَنَا سَرِيحُ بْنُ يُونُسَ قَالَ : حَدَّثَنَا عِبَادُ بْنُ عِبَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو عَنْ أَبِي سَلَمَةَ : عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : (وَيْلٌ لِلنِّسَاءِ مِنَ الْأَحْمَرِينَ : الذَّهَبِ وَ الْمَعْصَرِ)
قال شعب الأرنؤوط : إسناده حسن

صحيح ابن حبان ، ج ۱۳ ، ص ۳۰۷
 ۳۳۹ - " ويل للنساء من الأحمرین: الذهب والمعصر ".
 أخرجه ابن حبان (۱۴۶۴) : أخبرنا الحسن بن سفيان حدثنا سريج بن يونس حدثنا عباد بن عباد عن محمد بن عمرو عن أبي سلمة عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: فذكره.
 وأخرجه البيهقي في " شعب الإيمان " (۲ / ۲۳۰ / ۲ مصورة المكتب الإسلامي) من طريق أبي حاتم الرازي حدثنا سريج بن يونس به.
 قلت: وهذا إسناد جيد، رجاله كلهم ثقات رجال الشيخين غير الحسن بن سفيان وهو الفسوي ثقة حافظ مشهور.
 سلسلة الأحاديث الصحيحة ، محمد ناصر الدين الألباني ، ج ۱ ، ص ۶۶۳
 يك سوال رو لطفا اگر میتوانید جواب دهید :
 به نص صريح قران كريم وسنت نبوی هرکس عصیان رسول الله کند جهنمی میباشد وعایشه هم امر الله عزوجل وهم رسولش را در چندین و چند مورد عصیان کرده است حکم عائشه چیست ؟

بنده ظاهرا این تایم اخرم است
 وایشان به هیچکدام از سوالات جواب ندادند وتکرار مکررات میکنند
 درباره حضرت ابراهیم گفت کتاب مشکوک فيه است
 وعلمای رجالی بعضا رد کرده اند
 صحيح باشد اجنبی از موضوع است
 بنده نتایج بحث را یادآوری کنم چون پارت اخر است
 واز ایشان انتظار داریم سوال دیگری مطرح نکنند
 چون پارت اخر است
 فقط جواب سوالاتی را که از اول تا الان عرضه نکردند بیان کنند
 فقط روایت محبوبیت امام علی را بیان کنم
 وایضا یادت باشد از بخاری بر علیه شیعیان استناد نکنی
 قاعده الزام را یاد بگیرد لطفا
 حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيمٍ حَدَّثَنَا يُونُسُ حَدَّثَنَا الْعِيزَارُ بْنُ جُرَيْثٍ قَالَ: قَالَ النُّعْمَانُ بْنُ بَشِيرٍ قَالَ: اسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَسْمَعُ صَوْتَ عَائِشَةَ عَالِيًا وَهِيَ تَقُولُ: وَاللَّهِ لَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ عَلِيًّا أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنِّي أَوْ ثَلَاثًا، فَاسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ، فَدَخَلَ، فَأَهْوَى إِلَيْهَا، فَقَالَ: يَا بِنْتَ فَلَانَةَ أَلَا أَسْمَعُكَ تَرْفَعِينَ صَوْتَكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟
 ۱. تعليق الشيخ شعيب الأرناؤوط : إسناده حسن من أجل يونس بن إسحاق، وباقي رجاله ثقات رجال الصحيح.

مسند أحمد بن حنبل بتحقيق الشيخ شعيب الأرناؤوط ، ج ۳۰ ، ص ۳۷۲-۳۷۳ ، رقم ۱۸۴۲۱
 ۲. تعليق الشيخ حمزة أحمد الزين : إسناده صحيح والعيزار بن حريث ثقة من التابعين وحديثه عند مسلم.
 مسند أحمد بن حنبل بتحقيق الشيخ حمزة أحمد الزين ، ج ۱۴ ، ص ۱۶۹ ، رقم ۱۸۳۳۳
 ۳. تعليق الشيخ أحمد بن حجر العسقلاني : وأخرج أحمد وأبو داود والنسائي بسند صحيح عن النعمان بن بشير...

فتح الباري في شرح صحيح البخاري ، أحمد بن حجر العسقلاني ، ج ۷ ، ص ۲۷
 اما نتایج بحث :
 نتایج بحث:

۱- ایمان عایشه به رسول خدا صلى الله عليه وآله با هیچ روایت صحیح السندی از کتب شیعه اثبات نشد بلکه تنها روایتی که جناب خاقانی از صحیح بخاری (بر خلاف قاعده الزام !!!!) آوردند، ثابت می کرد که عایشه محارب با خدا و در مقابل خداوند قرار گرفته بود که تازه همین کلام نیز، حرف عمار یاسر بود نه حرف رسول خدا و باز حجتی برای ایمان عایشه نبود !!!
 ۲- مطالب بسیاری از نافرمانی و اذیت و آزار عایشه نسبت به رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شد از روایات صحیح السند و معتبر اهل سنت که به جای آنکه جناب خاقانی به این اشکالات جواب بدهند، به نقل مطالب ضعیف السند پرداختند که هیچ ربطی به موضوع بحث نداشت !!!!
 ۳- قرآن کریم شهادت به انحراف قلوب عایشه و حفصه داده است و هیچ روایت صحیح السندی که دلالت بر توبه عایشه داشته باشد از ایزاء رسول خدا صلى الله عليه وآله و بازگشتن قلب او به حق وجود ندارد !!!!!

۴- طبق کلام علمای اهل سنت و سلفیت، کسانی که اقوال و افعالی مشابه اقوال و افعال عایشه داشته اند، مستحق تکفیر و قتل دانسته شده بودند در حالیکه با کمال تعجب، عایشه را احترام می کنند حال آنکه حق او نیز تکفیر و استحقاق برای قتل است.

۵- نفاق عایشه به علت عدم وجود محبت امیرالمومنین در قلب او طبق روایات صحیح السند اهل سنت ثابت شد.

۶- جناب خاقانی نه معنای قاعده ی الزام را می دانند و نه شروط استدلال به روایت برای طرف مقابل بحث را !!!!

۷: عائشه در تمام سیره خود اعمالی را انجام داد که خلاف دستورات الهی و رسول الله (ص) بوده اند

خاقانی شروانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مختار گفت: "ظاهرا با ایشان باید بجای موضوع ایمان عائشه .. موضوع رفتار امام علی با حضرت زهرا سلام الله عليها قرار داد"

این الزامی برای نشان دادن آن است که شما مانند خوارج نصوص را به میل خود تفسیر می کنید، تا به مراد دل برسید، و بنده نشان دادم که دو حالت دارید:

۱. أم المؤمنین عائشه و ساره و فاطمه -رضی الله عنهن- را با هم تکفیر کنید!
۲. از استدلال باطلتان معذرت خواهی کنید و بگویید من مخالف فهم علمای شیعه سخن گفته ام!

او می گوید: "شما میگویید جزائری تصحیح کرد و منو ملزم به تصحیح جزائری میکنید پس چرا خودتان را ملزم به تصحیح علامات نمیکنی؟"

اولاً، علمایی که ذکر کردید تنها سند را تصحیح کرده اند و اهل این شأن می دانند که تصحیح سند دلیل صحت متن نمی شود، چرا که علل قاذحه در حدیث وجود دارد. در ضمن تضعیفات را هم در خصوص حدیث مورد بحث آوردم.

ثانیاً، من شما را نه تنها با تصحیح جزائری، بلکه به فهم جزائری ملزم می کنم! چرا جزائری ساره -علیها السلام- را کافر نمی داند؟ دلیلش این نیست که علمای شیعه بهتر از شما نصوص را می فهمیدند؟!

می گوید: "اما میگوید تارک الصلاه کافر نمیشود این دیگر از عجائب است ! بنده درباره این موضوع حرفی نمیزنم خارج بحث است"

اولاً، تارک الصلاه با منکر فرض نماز فرق دارد، و بسیاری از علماء اولی را کافر نمی دانند، اما دومی به اجماع علماء پس از اقامه حجج تکفیر می شود.

ثانیاً، جنابعالی فرق بین «تارک الصلاه» و کسی که منکر وجوب نماز است را نمی دانید، و این عجیب تر است برای کسی که مناظره می کند!

می گوید: "درباره اعطای زکات گفتیم عائشه با رسول الله (ص) مخالفت کرده است و تکرار نمیکنم چون واضح است و مجدد مطالعه کنید"

پاسخ دادم که:

کجا عائشه -رضی الله عنها- منکر زکات بوده است؟ شما باید ثابت کنید که ایشان:

۱. حدیث اولی را شنیده است.
 ۲. فهم مذکور را از حدیث داشته است.
 ۳. حدیث را پس از این دو مورد رد کرده است.
- وگرنه در این حالت احدی حکم به کفر نمی دهد، زیرا شرایطش مهیا نیست که در پست اول توضیح دادم.

می گوید: "شما میگویید حرف ابن عباس حجت نیست چرا حرف عمار حجت است؟"

پاسخ: زیرا ابن عباس -رضی الله عنهما- نظر شخصی خود را گفته و این اجتهاد محسوب می شود، اما نظر عمار -رضی الله عنها- در مسائلی نیست که جای اجتهاد داشته باشد، بلکه این مسائل نزد تمامی علماء حکم حدیث مرفوع را دارد در نتیجه حجت است!

این هم دلیل آن است که شما طعم علوم اسلامی را نچشیده اید و جز تفسیر به رأی، چیزی در دست ندارید هداکم الله تبارک وتعالی...

می‌گوید: "بعد میاید حرف آیت الله خوبی رو میارید و انتظار دارید که ما قبول کنیم و رد نکنیم کلام اونها رو؟"

بنده قول هیچ عالمی را رد نمی‌کنم، مگر دلایلش را رد کنم! شما هم بفرمائید با ادله علمی، کلام سید خوئی و... را نقد کنید، که البته نمی‌توانید زیرا کسی که هنوز نمی‌داند "کن" ضمیر جمع است یا مثنی، انتظار علم رجال از او نیست...

می‌گوید: "اما درباره حدیث محبوبترین خلق نزد رسول الله (ص) این کذب است بلکه در مسند احمد ثابت است که محبوبترین خلق نزد ایشان امام علی و حضرت فاطمه است" این وقتی است که شما ثابت کنید که این قول پیامبر -صلی الله علیه وسلم- باشد، و البته سنداً از حدیث بخاری قوی‌تر باشد، وگرنه استدلالتان ارزشی نخواهد داشت...

اما وقتی می‌گوید: "عایشه در روایت فوق بر سر پیامبر ﷺ می‌زند..."
خب این نظر عائشه -رضی الله عنها- است، و حال نظر کدام ارجح است؟ چه شخصی بیشتر از قلب خود خبر دارد؟ صاحب قلب! و در نتیجه نظر صاحب قلب و محب راجح و نظر محبوب، مرجوح است. ☺

می‌گوید: "خود عائشه رفع صوت میکند که حکمیش در قرآن حبط عمل است و کفر..."
فاطمه -رضی الله عنها- هم سر علی -رضی الله عنه- داد زده است، اما جزاوری نمی‌گوید کفر است! اگر بنا بر کفر باشد، هر دو را باید تکفیر کنید!!

اما نظر شیخ ارنووط -رحمه الله- هم با نظر بنده در تئوری مساوی است:
«وهذا إسناد ضعيف لتدليس ابن إسحاق.»

مسند أحمد، ج ۳۸، ص ۱۶۵

ترجمه: این سند به دلیل تدلیس ابن اسحاق، ضعیف است!!
تمام شد!!

پس شیخ ارنووط -رحمه الله- هم با بنده هم‌نظر بوده‌اند که ابن اسحاق باید تصریح به تحدیث کند، و اگر جایی اشتباه کرده باشند و این نکته را فراموش کرده باشند، عبرت به حکم نظری ایشان است، نه سهو ایشان!

بعد گفتند لباس معصفر!!

باز هم می‌گویم که جناب مختار ۳۱۳ طعم فقه را نجشیده است!
اولاً، لباس معصفر در حکمیش اختلاف است، ظاهریه و گروه قلیلی آن را حرام می‌دانند، جمهور آن را مکروه و عده‌ای هم قائل به مباح بودنش هستند. اما این حکم برای مردان است، نه برای زنان! زیرا برای زنان به اجماع جایز است:

«وأما النساء فإن العلماء لا يختلفون في جواز لباسهن المعصفر المقدم والمورد والممشق.»
التمهید، ابن عبد البر القرطبي، وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ج ۱۶، ص ۱۲۳
ترجمه: و اما علماء در جایز بودن پوشیدن لباس معصفر و... برای زنان اختلافی ندارند!

ثانیاً، حدیث "ویل للنساء..."، یا حمل بر این می‌شود که قصد شخص تبرج باشد و او را از اعمال خیر باز دارد، یا حمل بر منسوخ بودن می‌شود. چرا که در حدیث صحیح آمده است:

«حدثنا مسدد، حدثنا عيسى بن يونس، حدثنا هشام بن الغاز، عن عمرو بن شعيب، عن أبيه، عن جده، قال: هبطنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم من ثنية، فالتفت إلي وعلي ربطة مضرحة بالعصفر، فقال: ما هذه الربطة عليك؟ فعرفت ما كره، فأتيت أهلي وهم يسجرون تنورا لهم، ففقدتها فيه، ثم أتيتها من الغد، فقال: يا عبد الله، ما فعلت الربطة؟ فأخبرته، فقال: ألا كسوتها بعض أهلک، فإنه لا بأس به للنساء.»

سنن أبي داود، أبو داود السجستاني، المكتبة العصرية، ج ۴، ص ۵۲
پس لباس معصفر برای زنان اشکالی ندارد!

ثالثاً، شما همانطور که قبلاً گفتم، منهجتان منهج خوارج است! زیرا برای عزیزان گروه بیان کردم که حکم از حرمت تا اباحه مختلف است، حال چطور شخصی برای چیزی که نهایتاً حرام و اقلاً مباح باشد و از احکام فقهی اجتهادی باشد، مرتد و کافر می‌شود؟! ☺

در این مناظره بحمدالله ثابت کردیم که منهج امامیه، همان منهج خوارج مارقه است، با ادله قاطع ثابت کردیم که ایمان عائشه -رضی الله عنها- و بهشتی بودنش نزد اهل سنت و جماعت ثابت و قطعی است، و به اشکالات طرف امامی هم در این خصوص پاسخ کافی دادیم. همچنین فهمیدیم که طبق منهج جناب مختار، باید در نبوت عیسی و ایمان اهل بیت -علیهم السلام- هم شک کنیم، زیرا شیعه نمی‌تواند ایمان اهل بیت را از کتب دشمنان اهل بیت ثابت کند!

سؤال: چرا آقای مختار ۳۱۳ تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را تکفیر کردند؟ آیا این محبت شیعه به اهل بیت نبی -صلی الله علیه وسلم- است؟
سؤال: کدام عالم شیعه کفر بودن ایداء انبیاء را، از خصائص محمد -صلی الله علیه وسلم- ذکر کرده است؟

سؤال: حکم ساره -علیها السلام- نزد علمای شیعه چیست که ابراهیم -علیه السلام- را اذیت می‌کرده است؟ و اگر این کفر نیست، چرا شیعیان در استدلالات خود متناقض عمل می‌کنند و با علمایشان هم مخالفت؟

سؤال: آقای خامنه‌ای، عائشه -رضی الله عنها- را پس از ۱۴ قرن، أم المؤمنین یعنی مادر ایمان داران می‌دانند، و آقای محمد حسین طباطبائی هم احترام أمهات المؤمنین را واجب، چرا آقای مختار و علمای افراطی شیعه در مقابل این دو رأی خاضع نیستند؟

سؤال: آیا اهل سنت، قتيله را از أمهات المؤمنین می‌دانند؟!

سؤال: احدی از علمای طول تاریخ شیعه، خود را از دسته سوم می‌داند؟

👉 این سؤالاتی بود که شایسته بود جناب مختار پاسخ دهد اما پاسخی نداشتند...

ایشان تمامی همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را تکفیر کردند و فهمیدیم اینکه می‌گویند ما تنها با حفصه و عائشه -رضی الله عنهما- مشکل داریم کذب است، بلکه مشکل ایشان با تمامی ازواج پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می‌باشد، ونعوذ بالله من الضلال...

از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم که جناب مختار و پیروان دین شیعه را به صراط مستقیم خود هدایت کند...

هجرت از دار الکفر به دار الإیمان در اصل واجب است، حال چطور هجرت از باطل به حق واجب نباشد؟ تعصب و خارجی‌گری و ارهابی‌گری و دشمنی با اهل بیت رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- انسان را جز به قعر جهنم نخواهد برد، و البته این شبهات و اشکالات ناشیانه نمی‌توانند حجتی در روز قیامت باشند...

یا من زعمتم حب آل نبیکم
أُخِلت جماجمکم من الألباب
تمشون فی درب الضلال معتبا
قد اخفیت عثراته بضباب

با تشکر از عزیزانی که همراه ما بودند، والحمد لله رب العالمین.
والسلام علیکم وعلى من اتبع الهدی...